

تقدیم به

دکتر علیرضا منوچهریان

مترجم شهیر دیوان متنّبی در ایران

دوست خوبم، سلام

واژه «فارسی» را در اینترنت جست‌وجو می‌کنیم. در همان صفحه اول می‌آید: «سفارش غذای آنلاین»، «فارسی - ویکی‌واژه» و چیزهایی شبیه این‌ها.

با این حساب «زبان فارسی» اگر در حال تحوّل اساسی نباشد، دست کم دستخوش تغییرات نه چندان خرد و کوچک است. سرعت تغییرات در فضای مجازی، سایت‌های اینترنت، شبکه‌های اجتماعی و هر جنبه‌ای از زندگی‌مان که به دیجیتال و الکترونیک مربوط است، چنان زیاد است که روی تمام حیطه‌های زندگی و به ویژه حرف‌زدنمان تأثیر می‌گذارد و با این تغییرات، فاصله ما از چیزی که به نام زبان فارسی معیار یا ادبی می‌شناسیم، روزبه‌روز بیشتر می‌شود. درس فارسی، از جنبه درسی‌اش که بگذریم، شاید مهم‌ترین ابزار و گاهی وقت‌ها اساسی‌ترین بهانه‌ای است که این فاصله را کم می‌کند. متن‌های قدیمی از نظم و نثر گرفته، حکایت‌ها و قطعه‌ها در عین حال که اطلاعات و فرهنگ بازمانده از قرن‌های پیشین را به ما منتقل می‌کنند، نقطه اتصال زبان و گفتار امروزمان با شیوه سخن‌گفتن و نوشتار نیاکانمان است.

تغییر و تحول نه تنها بد نیست، که بسیار هم لازم است؛ اما به یکباره بریدن از گذشته و میراثی که داشته‌ایم اگر هم بد نباشد، دست کم چندان خردمندانه نیست.

به حساب حرف‌های بالا و از آن‌جا که بالأخره «فارسی» درسی است مهم از دروس امسالتان، به قول علما «احتیاط واجب» آن است که درست و حسابی یادش بگیرید.

مؤلف خوبمان آقای دکتر مجتبی احمدوند، همچون سال‌های پیش، کتابی خوب و ویژه برای آن که فارسی را با همه نکته‌ها و ترفندهایش، به راحتی و شیرینی یاد بگیرید برایتان نوشته است. ضمن سپاس از ایشان که وجودشان آزرده‌گزند مباد و با اقرار به خوبی و پاکیزگی آن‌چه نوشته‌اند، به سبب آن‌که خواننده کتاب شما، نظرتان از هر کس دیگری برایمان مهم‌تر است. برایمان چه روی کاغذ و چه در فضای مجازی بنویسید که این کتاب چگونه است؟ از کاستی‌ها و فزونی‌ها کدام را دارد و با چه چاره‌ای بهتر و نیکوتر می‌شود.

به زبان فارسی راحت این‌که:

بگید چند چندیم؟ و چه‌طوری خفن می‌شیم؟

خوب و خوش باشید.



نقشه گنج - نقشه بیست

دزدان دریایی سنگدل و بی‌رحمی به رهبری ناخدایی یک‌پا و یک‌چشم که یک طوطی همراه خود دارد، می‌خواهند وارد جزیره‌ای گرمسیری شوند و به کمک نقشه‌ای که در چند جای آن علامت **X** دارد، جزیره را زیر و رو کنند و گنج پنهان آن را بیابند. این‌ها تصوّرانی است که عموماً از کتاب «جزیره گنج» رابرت لویی استیونسن^۱ سرچشمه می‌گیرد. ادبیات تا این اندازه می‌تواند تأثیرگذار باشد؛ آن اندازه که طی قرن‌ها، نگاه انسان‌ها به هر موضوعی را دگرگون سازد. در ادب فارسی نیز «گنج» همیشه همراه «طلسم» است و آن کسی که خواهان گنج باشد باید زحمت گشودن طلسم را هم به خود بدهد:

طلسم بسته را با رنج یابی جو بگسای، به زیرش گنج یابی نظامی

گرفتن نمرهٔ «بیست»، رسیدن به همان «گنج» است که نقشه‌ای دارد و حتی گاهی طلسمی! باید برایتان چند جای جزیره را علامت **X** بزنیم تا به راحتی به آن‌چه می‌خواهید برسید. پیشنهاد می‌کنیم تا نقشهٔ گنج (مقدمهٔ کاربردی) را به خوبی بررسی نکرده‌اید، وارد جزیره (کتاب) نشوید؛ از ما گفتن!

نمرهٔ بیست با ماجرای بیست

می‌دانیم که مهم‌ترین هدف شما از خواندن این کتاب، گرفتن نمرهٔ عالی در امتحان نهایی است و ما برای رسیدنتان به این خواسته، برنامهٔ دقیقی داریم. این کتاب از پنج بخش تشکیل شده که هر قسمت ارزش خود را دارد و لازم است که با هر یک از آن‌ها به خوبی آشنا شوید:

۱ درس‌نامه

در این قسمت ما تمام متن کتاب درسی را بی‌کم و کاست آورده‌ایم و واژه‌به‌واژه، سطر به سطر، بیت‌به‌بیت تمام نکات آن را شرح کرده‌ایم. در این بخش از نشانه‌های زیر استفاده کرده‌ایم:

معنی عبارت یا بیت را به نثر روان معنی کرده‌ایم. **مفهوم** مفهوم کلی عبارت یا بیت را آورده‌ایم. **آرایه** نکات مربوط به قلمرو ادبی و آرایه‌ها را در این‌جا گفته‌ایم. **دستور** مطالب دستوری را هم با این نشانه مشخص کرده‌ایم. **نکته** هر جا که نیاز به توضیح بیشتر یا بیان نکته‌ای برای درک بهتر موضوع بوده از این نشانه استفاده کرده‌ایم. **سؤال** در متن درس‌نامه، از سؤالات نهایی و گاه تألیفی بهره برده‌ایم تا با خواندن هر بند از کتاب، بدانید دقیقاً چه سؤالی ممکن است از این بخش مطرح شود. (تمام این موارد در بخش گنج حکمت، روان‌خوانی و شعرخوانی نیز وجود دارد. حتی در کارگاه‌های متن‌پژوهی، علاوه بر پاسخ دقیق به تمام پرسش‌ها، عبارت‌ها و بیت‌های آن را نیز به طور کامل شرح کرده‌ایم.)

۲ ایستگاه آرایه و دستور

تمام نکات آموزشی لازم در بخش دستور زبان و آرایه‌های ادبی در قالب «ایستگاه دستور» و «ایستگاه آرایه» آمده است. نگاه ما در آموزش این بخش‌ها مروری و تکمیلی بوده؛ به این معنا که هر آن‌چه از سال‌های قبل مورد نیاز شماست، به طور کامل توضیح داده‌ایم و نیازی به مراجعه به کتاب یا جزوه‌های سال‌های قبل ندارید.

۳ آزمون درس

بعد از آن‌که دو مرحلهٔ بالا را پشت سر گذاشتید، حالا نوبت یک آزمون جامع است که تمام زوایای درس را نشانه بگیرد و اگر نکته‌ای از چشم شما پنهان مانده، آن را یادآوری کند. هر درس یک آزمون دوسطحی دارد، در سطح اول شما با سؤالات همیشگی و معمول امتحان نهایی روبه‌رو می‌شوید و در سطح دوم که با عنوان **بیشتر تمرین کنید** مشخص شده‌اند با پرسش‌های دشوارتر و کمی چالشی‌تر مواجه خواهید شد. در بخش آزمون، سؤالات دشوار با علامت **🔥** مشخص شده‌اند؛ اما این کار به معنای آن نیست که این سؤالات از اهمیت بالاتری برخوردارند، بلکه مفهوم این نشانه آن است که برای پاسخ به این سؤالات باید دقت و گاه دانش بیشتری داشته باشید.

۱. رابرت لویی بالفور استیونسن (Robert Louis Balfour Stevenson) این کتاب را در سال ۱۸۸۳ منتشر ساخت.

۴ آزمون‌های پایانی

برای آمادگی تمام‌عیار و آشنایی کامل با آزمون‌های پایانی نیم‌سال اول و دوم، شش آزمون جامع برایتان آورده‌ایم. آزمون‌های شماره یک و دو مربوط به نیم‌سال اول و چهار آزمون دیگر برای نیم‌سال دوم طراحی شده‌اند.

۵ ضمیمه رایگان (کتابچه همراه)

حتماً برایتان پیش آمده که در مسیر رفت و آمد از مدرسه، زنگ تفریح، تعطیلی یک زنگ بین زنگ‌های دیگر و ... فرصتی می‌یابید تا مطالعه کنید اما در این زمان شاید اندک، نمی‌دانید چه‌طور می‌توانید از وقت خود به بهترین شکل استفاده کنید. ضمیمه کتاب ماجرای بیست فارسی به شما این امکان را می‌دهد، در هر جا و در هر زمانی به محتوای کتاب درسی دسترسی داشته باشید و آن را بارها و بارها بخوانید.

ساختار این کتابچه به این صورت است که در بخش نخست، معنای واژه‌های مهم کتاب را به صورت تفکیکی (درس‌به‌درس) آورده‌ایم. این واژه‌ها هم کلمات معنی‌شده در پایان کتاب درسی را شامل می‌شود و هم واژه‌هایی که در متن درس مهم هستند اما در کتاب درسی معنایشان نیامده و ما هر دو را کامل آورده‌ایم. در بخش دوم با چکیده دستور زبان فارسی و آرایه‌های ادبی روبه‌رو می‌شوید. همه آن‌چه در این مورد نیاز دارید در کاربردی‌ترین صورت ممکن با مثال‌های گوناگون آمده است. در بخش سوم نیز خلاصه‌ای از هر درس را می‌بینید. در این بخش علاوه بر ذکر تمام نکات مهم زبانی، ادبی و فکری هر درس، پاسخ کارگاه‌های متن‌پژوهی و مطالب مهم گنج حکمت، روان‌خوانی و شعرخوانی به طور کامل آمده است. این کتابچه را هرگز از خودتان دور نکنید و در کنار کتاب اصلی، هر روز در هر فرصتی حتی شده چند سطر آن را بخوانید و درس‌هایتان را با آن مرور کنید.

امیدواریم که در راه رسیدن به «گنج دانش» یاریگر خوبی برایتان باشیم و شما نیز بتوانید با تلاش و همت آهنین خود به آن‌چه سزاوارش هستید دست یابید.

نه سیر آید از گنج دانش کسی نه کم گردد از زو ببخشید بسی
به از گنج دانش به گیتی کجاست؟ که را گنج دانش بود پادشاست! *اسری طوسی*

سپاسگزاری

در گردآمدن چنین کتابی، بسیار عزیزان که زحمت کشیدند و عمر گران‌قدر را صرف به بار نشستن درخت دانش کردند. آنان که اگر هر یکی‌شان نبود، کار به چنین بار نمی‌رسید. آقای دکتر کورش بقایی راوری که چون همیشه سایه بلند دانش و منش تمام‌عیارش بر ما بود. دکتر ابودر نصری و دکتر کامیل نصری که آغازگران راهی تازه در دانش‌اندوزی و آموزش بوده و هستند. آقای مهدی هاشمی، مدیر تألیف بی‌نظیر که پس از سال‌ها کار با ایشان در هر فصل جدید، بسیار از ایشان می‌آموزم و لذت می‌برم. سرکار خانم زهرا جالینوسی که با پیگیری‌ها و برنامه‌ریزی‌های دقیق و هماهنگی‌های بسیار، راه را برایمان هموار کردند. ویراستاران عزیزمان خانم‌ها و آقایان پروانه داوطلب محمودی، زهرا سیدقاسم، عصمت بقائی راوری، زهرا صادقی مالواجردی، دکتر رضا خبازها، دکتر شهنام دادگستر، دکتر گودرزی و اسماعیل تشیعی که با نکته‌سنجی، تیزبینی و دانش خویش، ما را وام‌دار خویش نمودند. گروه تولید انتشارات خیلی‌سبز که بی‌وقفه و خستگی‌ناپذیر و با دقتی و ذوقی مثال‌زدنی، کار را به انجام رساندند. از همه عزیزان از صمیم جان سپاسگزارم.

ارادتمند همه شما مهربانان

مجتبی احمدوند

فهرست

صفحه

۱۳۷	فصل پنجم: ادبیات انقلاب اسلامی
۱۳۸	درس دهم: فصل شکوفایی
۱۴۲	کارگاه متن‌پژوهی
۱۴۳	گنج حکمت: تیرانا
۱۴۴	آزمون درس دهم
۱۴۸	درس یازدهم: آن شب عزیز
۱۵۴	کارگاه متن‌پژوهی
۱۵۶	شعرخوانی: شکوه چشمان تو
۱۶۰	آزمون درس یازدهم
۱۶۴	فصل ششم: ادبیات حماسی
۱۶۵	درس دوازدهم: گذر سیاوش از آتش
۱۷۷	کارگاه متن‌پژوهی
۱۷۹	گنج حکمت: به جوانمردی کوش
۱۸۱	آزمون درس دوازدهم
۱۸۶	درس سیزدهم: خوان هشتم
۱۹۸	کارگاه متن‌پژوهی
۱۹۹	شعرخوانی: ای میهن!
۲۰۱	آزمون درس سیزدهم
۲۰۵	فصل هفتم: ادبیات داستانی
۲۰۶	درس چهاردهم: سی مرغ و سیمرغ
۲۱۷	کارگاه متن‌پژوهی
۲۱۹	گنج حکمت: کلان‌تر و اولی‌تر!
۲۲۰	آزمون درس چهاردهم
۲۲۴	درس شانزدهم: کباب غاز
۲۳۷	کارگاه متن‌پژوهی
۲۳۸	روان‌خوانی: ارمیا
۲۴۲	آزمون درس شانزدهم
۲۴۶	فصل هشتم: ادبیات جهان
۲۴۷	درس هفدهم: خنده تو
۲۵۰	کارگاه متن‌پژوهی
۲۵۳	گنج حکمت: مسافر
۲۵۴	آزمون درس هفدهم
۲۵۷	درس هجدهم: عشق جاودانی
۲۶۰	کارگاه متن‌پژوهی
۲۶۰	روان‌خوانی: آخرین درس
۲۶۵	نیایش: لطف تو
۲۶۷	آزمون درس هجدهم
۲۷۱	پاسخ آزمون‌های درس‌به‌درس
۲۹۳	امتحان شماره ۱: نیم‌سال اول
۲۹۷	امتحان شماره ۲: نیم‌سال اول
۳۰۰	امتحان شماره ۳: نیم‌سال دوم
۳۰۴	امتحان شماره ۴: نیم‌سال دوم
۳۰۸	امتحان شماره ۵: نهایی خرداد ۱۴۰۲
۳۱۳	امتحان شماره ۶: نهایی خرداد ۱۴۰۳

صفحه

۷	ستایش: ملکا ذکر تو گویم
۹	آزمون درس ستایش
۱۱	فصل یکم: ادبیات تعلیمی
۱۲	درس یکم: شکرِ نعمت
۲۲	کارگاه متن‌پژوهی
۲۴	گنج حکمت: گمان
۲۴	آزمون درس یکم
۲۸	درس دوم: مست و هشیار
۳۲	کارگاه متن‌پژوهی
۳۴	شعرخوانی: در مکتب حقایق
۳۷	آزمون درس دوم
۴۱	فصل دوم: ادبیات پایداری
۴۲	درس سوم: «آزادی» و «دفترِ زمانه»
۴۶	کارگاه متن‌پژوهی
۴۸	گنج حکمت: خاکریز
۴۹	آزمون درس سوم
۵۲	فارسی‌واژه‌ها: جهان‌واژه‌های فارسی
۵۳	درس پنجم: دماوندیه
۶۲	کارگاه متن‌پژوهی
۶۴	روان‌خوانی: جاسوسی که الاغ بود!
۶۷	آزمون درس پنجم
۷۱	فصل سوم: ادبیات غنایی
۷۲	درس ششم: نی‌نامه
۷۹	کارگاه متن‌پژوهی
۸۲	گنج حکمت: آفتابِ جمال حق
۸۳	آزمون درس ششم
۸۷	درس هفتم: «در حقیقتِ عشق» و «سودای عشق»
۹۳	کارگاه متن‌پژوهی
۹۵	شعرخوانی: صبح ستاره‌باران
۹۷	آزمون درس هفتم
۱۰۱	فصل چهارم: ادبیات سفر و زندگی
۱۰۲	درس هشتم: از پاریز تا پاریس
۱۱۱	کارگاه متن‌پژوهی
۱۱۳	گنج حکمت: سه مَرکَبِ زندگی
۱۱۳	آزمون درس هشتم
۱۱۷	درس نهم: کوبیر
۱۲۶	کارگاه متن‌پژوهی
۱۲۸	روان‌خوانی: بوی جوی مولیان
۱۳۳	آزمون درس نهم

ستایش : مَلِکَا ذکر تو گویم

این شعر از «دیوان حکیم سنایی غزنوی» و در قالب «قصیده» است.

ملک: پادشاه، خداوند / ذکر: یاد

مَلِکَا، ذکر تو گویم که تو پاک و خدایی / نروم جز به همان ره که توأم راهنمایی

معنی خداوند، تو را یاد می‌کنم زیرا که پاک و پروردگار هستی. فقط همان مسیری را می‌روم که تو به من نشان دهی (یا جز راهی که تو راهنمای من باشی، راه دیگری نمی‌روم). **مفهوم** یادکردن از پاکی و راهنمابودن خداوند **آرایه** مصراع دوم به آیه ششم از سوره حمد تلمیح دارد: «إِهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ: ما را به راه راست هدایت فرما.» // جمله «توأم راهنمایی»، «ایهام» دارد و به دو صورت خوانده و معنی می‌شود:

۱- تو راه را به من نمایی / نهاد مفعول متمم فعل
 ۲- تو راهنمای من هستی / نهاد مسند مضاف‌الیه فعل

دستور «الف» در «ملیکا» حرف ندادست. / منظور از «تو» در همه بیت‌ها «خداوند» است. // «پاک» و «خدا»: مسند (تو پاک هستی و خدا هستی) // بیت شش جمله دارد: ۱- ملکا ۲- ذکر تو گویم ۳- تو پاکی ۴- تو خدایی ۵- نروم جز به همان ره ۶- توأم راهنمایی.

همه درگاه تو جویم همه از فضل تو پویم / همه توحید تو گویم که به توحید سزایی

همه: [در اینجا] تنها، فقط / فضل: بخشش، کرم / پویدن: حرکت به سوی مقصدی برای به دست آوردن و جست‌وجوی چیزی، تلاش، رفتن / سزا: سزوار، شایسته، لایق

معنی تنها درگاه تو را می‌جویم و فقط به سبب لطف تو در حرکت و تلاش. فقط از یگانگی تو می‌گویم زیرا که شایسته توحید و یگانگی هستی. **مفهوم** جست‌وجوی خداوند، توحید و ستایش او و حرکت و تلاش به لطف او **آرایه** «جویم»، «پویم» و «گویم»: جناس ناهمسان (ناقص) // مصراع اول به آیه پنجم از سوره حمد تلمیح دارد: «إِيتَاكَ عِبَادٌ وَإِيتَاكَ نَسْتَعِينُ: تنها تو را می‌پرستیم و تنها از تو یاری می‌جویم.» // تکرار صامت «ت»: واج‌آرایی / همه، تو، توحید: تکرار **دستور** «همه»: در این بیت در نقش «قید» است. // جویم (می‌جویم)، پویم (می‌پویم) و گویم (می‌گویم) همگی فعل مضارع اخباری هستند. / نقش کلمات در جمله پایانی به این شکل است:

[تو] به توحید سزایی (= هستی).
 نهاد حرف متمم مسند فعل
 اضافه

(نهایی دی ۱۴۰۱)

سؤال: عبارت «حرکت به سوی مقصد برای به دست آوردن و جست‌وجوی چیزی» در توضیح کدام واژه آمده است؟

۴) وصول

۳) مشایعت

۲) پویدن

۱) اتراق

پاسخ: گزینه «۲»؛ پویدن

(نهایی دی ۹۶)

«همه از فضل تو پویم»

سؤال: عبارت روبه‌رو را به نثر روان معنی کنید.

پاسخ: به سبب لطف تو در حرکت و تلاش.

حکیم: دانا به همه چیز، دانای راست‌کردار، از نام‌های خداوند تعالی؛ بدین معنا که همه کارهای خداوند از روی دلیل و برهان است و کار بیهوده انجام نمی‌دهد. / کریم: بسیار بخشنده، بخشناونده، از نام‌ها و صفات خداوند / رحیم: بسیار مهربان، از نام‌ها و صفات خداوند / نماینده: آن که آشکار و هویدا می‌کند، نشان‌دهنده / ثنا: ستایش، سپاس

تو حکیمی تو عظیمی تو کریمی تو رحیمی / تو نماینده فضل تو سزوار ثنایی

معنی تو حکیم، بزرگ، بخشنده و مهربان هستی. تو آشکارکننده فضل و بخشش هستی و شایسته ستایشی. **مفهوم** اشاره به صفات خداوند: دانایی، بزرگی، مهربانی و شایسته ستایش بودن **آرایه** «تو» و «ی» (مخفف فعل هستی): تکرار // تکرار صامت‌های «ت» و «م» و هم‌چنین مصوت‌های «ئ» و «ی»: واج‌آرایی **دستور** «حکیم، عظیم و ...» در نقش «مسند» هستند. // «نماینده» از بن مضارع «نمای» + پسوند فاعلی «ئ» تشکیل شده؛ «نمایش» نیز از همین بن ساخته شده است.

(نهایی شهریور ۱۴۰۲)

سؤال: املاي درست را از داخل کمانک انتخاب کنید.

«تو حکیمی، تو عظیمی، تو کریمی، تو رحیمی / تو نماینده فضل، تو سزوار (ثنایی - سنایی)»

پاسخ: «ثنایی» صحیح است. (ثنا: ستایش / سنایی: تفلّس حکیم سنایی غزنوی که در بیت پایانی همین شعر نیز آمده است.)

(نهایی دی ۹۷)

«تو نماینده فضل تو سزوار ثنایی»

سؤال: معنای واژه مشخص شده را بنویسید.

پاسخ: ثنا: ستایش، سپاس

۱. این شعر در اصل دارای سیزده بیت است و در دیوان سنایی جزء قصاید اوست.

۲. واژه‌های رنگی کلماتی هستند که معنای آن‌ها در واژه‌نامه پایان کتاب درسی آمده است.

۳. واژه‌هایی که به این شکل مشخص (هایلایت) شده‌اند، از نظر املايي مهم هستند.

نتوان وصف تو گفتن که تو در فهم ننگی

معنی: نمی‌توان تو را توصیف کرد، چون تو در فهم بشر جای نمی‌گیری. نمی‌توان مثل و ماندی برای نام برد، زیرا تو حتی در خیال هم در نمی‌آیی. **مفهوم:** ناتوانی انسان در توصیف خداوند / شبیه و نظیر نداشتن خداوند **آرایه:** «فهم» و «وهم»: جناس ناهمسان (ناقص) / نتوان، تو، گفتن: تکرار / مصراع دوم تلمیح دارد به: «لَیسَ کَمِثْلِهِ شَیْءٌ: هیچ چیزی مانند او نیست.» (بخشی از آیه ۱۱ سوره شورا) / بیت موازنه دارد. (ویژه علوم انسانی)

شبه: مانند، مثل، همسان / وهم: پندار، تصور، خیال

(نوایی فردر ۱۳۰۲ - با اندکی تغییر)

سؤال: در بیت زیر، غلط املایی را تصحیح کنید.

«نتوان وصف تو گفتن که تو در فهم ننگی / نتوان شبیح تو گفتن که تو در وهم نیایی»

پاسخ: «شبه» صحیح است. (شبه: مانند، مثل، همسان / شبیح: سایه موهوم از کسی یا چیزی)

(نوایی دی ۱۳۰۰)

سؤال: معنی واژه مشخص شده را بنویسید. «نتوان شبه تو گفتن که تو در وهم نیایی»

پاسخ: شبه: مانند، مثل، همسان

همه عیّری و جلالی، همه علمی و یقینی

معنی: [خداوند] تمام وجودت ارجمندی، شکوه، علم، یقین، نور، شادمانی، بخشش و پاداش است. **مفهوم:** اشاره به صفات خداوند: ارجمندی، شکوه و ... **آرایه:** «همه»: تکرار / تکرار مصوّت «ی»: واج آرای / بخش اول مصراع دوم به بخشی از آیه ۳۵ سوره نور تلمیح دارد: «اللّٰهُ نُورُ السَّمٰوٰتِ وَ الْاَرْضِ: خداوند نور آسمان‌ها و زمین است.» **دستور:** «همه» در این بیت «قید» است و «عزّ، جلال، علم، یقین، نور، سرور، جود و جزا»، «مسند» هستند.

همه: [در اینجا] سراسر، تماماً / عزّ: ارجمندی، گرامی شدن، مقابل ذلّ / جلال: بزرگواری، شکوه، از صفات خداوند که به مقام کبریا می‌اشاره دارد. / یقین: بی شبهه و شک بودن، امری که واضح و ثابت شده باشد. / سرور: شادی، خوشحالی / جود: بخشش، سخاوت، کرم / جزا: پاداش کار نیک

اگه فراموش کردی ...

کلماتی مثل «همه، هر، بعضی و ...» اگه همراه با اسم باشن «صفت مبهم» نامیده می‌شن و اگه تنهایی بیان «ضمیر مبهم» مثلاً:

«همه مردم آمدند» و «همه آمدند».

صفت مبهم ضمیر مبهم

نکته اینجاست که «همه» اگر ضمیر مبهم یعنی جانشین اسم باشه، می‌تونه مثل اسم، نقش‌های مختلفی در جمله داشته باشه؛ مثلاً: «همه را دیدم»،

مفعول

«روزها همه در تلاش بودند».

قید

توجه داشته باشین که ما یک «نوع کلمه» داریم که بررسی کلمه، خارج از جمله است و یک «نقش کلمه» که مربوط به ارتباط کلمات، توی جمله است. وقتی می‌گیم صفت مبهم یا ضمیر مبهم، نوع کلمه و وقتی می‌گیم مفعول، نقش کلمه مد نظر مونه. جالبه بدوین که «صفت» و «قید»، هم نوعی از کلمات هستن هم توی جمله، نقش به حساب میان.

همه: [در اینجا] هر

همه غیبی تو بدانی، همه عیبی تو بپوشی

معنی: هر چیز پنهانی را تو می‌دانی و هر عیبی را می‌پوشانی. همه کم و زیاد شدن‌ها به دست توست. **مفهوم:** غیب‌دانی (عَلَامُ الْغُیُوبِ)، عیب‌پوشی (سِتَارُ الْعُیُوبِ) و قدرت خداوند **آرایه:** «غیب» و «عیب»: جناس ناهمسان (ناقص) / «بیش» و «کم»: «بکاهی» و «فزایی»: تضاد / مصراع دوم: تلمیح به مفهوم «تُعَزُّ مَنْ تَشَاءُ وَ تُذِلُّ مَنْ تَشَاءُ: هر کس را بخواهی عزت می‌دهی و هر کس را بخواهی خوار می‌کنی» (بخشی از آیه ۲۶ سوره آل عمران) / تکرار مصوّت «ی»: واج آرای / «همه» و «تو»: تکرار **دستور:** «همه»: صفت مبهم / «غیب»، «عیب»، «بیش» و «کم»: مفعول

همه: [در اینجا] تنها، فقط / مگر: [در اینجا] امید است، شاید / بُود: باشد / روی: مجازاً

اکنان، چاره

همه: [در اینجا] تمام وجود سنایی فقط از یگانگی تو سخن می‌گوید؛ شاید برای او امکان رهایی از آتش دوزخ وجود داشته باشد.

مفهوم: اقرار به یگانگی خداوند و امیدواری به لطف او / هراس از عقوبت الهی **آرایه:** لب و دندان: مجاز از کل وجود

یا زبان / لب و دندان: «آتش و دوزخ»: مراعات نظیر / «روی» به معنی «چاره» است، اما در معنی «صورت» با لب و دندان «ایهام تناسب پدید آورده است. **دستور:** «همه» در این بیت «قید» است. / «گوید»: مضارع اخباری (می‌گوید) / ضمیر «ش» در «بُودش»، «متّم» است (برای او باشد)؛ شکل مرتب‌شده مصراع دوم به این صورت است:

مگر برای او از آتش دوزخ روی رهایی بُود (وجود داشته باشد).

قید متّم متّم مضاف‌الیه نهاد مضاف‌الیه فعل

مگر از آتش دوزخ بُودش روی رهایی

تمام وجود سنایی فقط از یگانگی تو سخن می‌گوید؛ شاید برای او امکان رهایی از آتش دوزخ وجود داشته باشد. **مفهوم:** اقرار به یگانگی خداوند و امیدواری به لطف او / هراس از عقوبت الهی **آرایه:** لب و دندان: مجاز از کل وجود یا زبان / لب و دندان: «آتش و دوزخ»: مراعات نظیر / «روی» به معنی «چاره» است، اما در معنی «صورت» با لب و دندان «ایهام تناسب پدید آورده است. **دستور:** «همه» در این بیت «قید» است. / «گوید»: مضارع اخباری (می‌گوید) / ضمیر «ش» در «بُودش»، «متّم» است (برای او باشد)؛ شکل مرتب‌شده مصراع دوم به این صورت است: **مگر برای او از آتش دوزخ روی رهایی بُود (وجود داشته باشد).**

آزمون ستایش (پاسخ در صفحه ۲۷۲)

سوالات با علامت سخت‌ترین سوالات‌های هر بخش‌ن. اگر به کم‌تر از ۲۰ راضی نمی‌شئ، بعد از تسلط روی سوالات‌های دیگره برو سراغ اون‌ها

قلمرو زبانی

واژه

- معنای واژه‌های مشخص‌شده را بنویسید.
- ۱- نتوان شبه تو گفتن که تو در وهم نیایی
- ۲- همه نوری و سروری، همه جودی و جزایی
- ۳- مگر از آتش دوزخ بودش روی رهایی
- ۴- تو نمایندهٔ فضلی تو سزاوار ثنایی
- ۵- همه درگاه تو جویم همه از فضل تو پویم

(نهایی قارچ از کشور دی ۹۷)

(نهایی قارچ از کشور شهریور ۹۹)

املا

■ در گروه کلمات زیر چند نادرستی املایی دیده می‌شود؟ تصحیح کنید.

- ۶- «دیوان حکیم سنایی غزنوی - غالب قصیده - سزاوار توحید - خداوند عظیم - عز و جلال - سنا و ستایش - پوشیدن عیب - دانستن غیب»

دستور زبان

۷- تفاوت نقش دستوری واژه «همه» را در مصراع‌های زیر توضیح دهید.

الف) همه درگاه تو جویم همه از فضل تو پویم

ب) همه بیش‌ی تو بکاهی همه کمی تو فزایی

(نهایی قارچ از کشور دی ۹۹)

۸- یک ترکیب وصفی و یک ترکیب اضافی در بیت زیر بیابید.

«ملکا ذکر تو گویم که تو پاک‌ی و خدایی

نروم جز به همان ره که توام راه‌نمایی»

قلمرو ادبی

۹- آرایه «ایهام» را در بیت زیر نشان داده و توضیح دهید.

«ملکا ذکر تو گویم که تو پاک‌ی و خدایی

نروم جز به همان ره که توام راه‌نمایی»

۱۰- تضاد و «جناس ناهمسان» را در بیت زیر مشخص کنید.

«همه غیبی تو بدانی، همه عیبی تو بیوشی

همه بیش‌ی تو بکاهی، همه کمی تو فزایی»

(نهایی قارچ از کشور فرداد ۱۳۰۰)

۱۱- در بیت زیر شاعر از کدام آرایه‌های ادبی بهره برده است؟ (دو مورد)

«لب و دندان سنایی همه توحید تو گوید

مگر از آتش دوزخ بودش روی رهایی»

قلمرو فکری

درک مطلب

۱۲- در بیت زیر چرا سنایی توحید خداوند را می‌گوید؟

«لب و دندان سنایی همه توحید تو گوید

مگر از آتش دوزخ بودش روی رهایی»

(نهایی قارچ از کشور دی ۹۷)

۱۳- در مصراع زیر:

«نتوان وصف تو گفتن که تو در فهم نگنجی»

الف) منظور از «تو» چه کسی است؟

ب) چرا شاعر خود را از توصیف او ناتوان می‌داند؟

معنی و مفهوم

■ سروده‌های زیر را به نثر روان معنی کنید.

۱۴- همه علمی و یقینی

(نهایی قارچ از کشور دی ۹۹)

۱۵- نتوان وصف تو گفتن که تو در فهم نگنجی

۱۶- لب و دندان سنایی همه توحید تو گوید

مگر از آتش دوزخ بودش روی رهایی

بیشتر تمرین کنید (پاسخ در صفحه ۲۷۲)

قلمرو زبانی

۱۷- در بیت زیر کدام واژه معادل مناسبی برای واژه «سزا» است؟

«حافظا علم و ادب و روز که در مجلس شاه

هر که را نیست ادب لایق صحبت نبود»

۱۸- در عبارت زیر نادرستی‌های املائی را بیابید و تصحیح کنید.

«سه تن آرزوی چیزی برند و نیابند؛ مفسدی که صواب مصلحان چشم دارد و بخیلی که سنای اهل مروت توقع کند و جاهلی که از سر سفاقت و غضب و حرس برنخیزد و الحاح ورزد که با نیک‌مردان برابر بود.»

۱۹- نقش دستوری «همه» در کدام گزینه متفاوت است؟

- (۱) همه جودی و جزایی (۲) همه درگاه تو جویم (۳) همه غیبی تو بدانی (۴) همه از فضل تو پویم

۲۰- بیت زیر از چند جمله تشکیل شده است؟

«آمدی وه که چه مشتاق و پریشان بودم تا برفتی ز بَرَم صورت بی‌جان بودم»

۲۱- در بیت زیر ترکیب‌های وصفی را نشان دهید.

«چو دیدند آن گروه آن بردباری همه بگریستند الحق به زاری»

قلمرو ادبی

۲۲- کدام‌یک از پدیدآوردگان زیر اثری به نظم دارد؟

- (۱) خواجه نظام‌الملک توسی (۲) سنایی غزنوی

۲۳- در بیت «لب و دندان سنایی همه توحید تو گوید/ مگر از آتش دوزخ بودش روی رهایی» واژه «روی» در معنی «.....» به کار رفته است، اما در معنی «.....» در ارتباط با «لب و دندان» آرایه «.....» را پدید آورده است.

۲۴- آرایهٔ مقابل هر بیت را در آن، نشان دهید.

الف) خون دل مشتاقان خورده است لب لعلت سرخ است لب اینک منکر نتوان بودن (حسن تعلیل)

ب) نخواهم دامن مهرت ز دست دل رهاکردن مگر روزی که دور از تو اجل گیرد گریبانم (ایهام)

قلمرو فکری

۲۵- بیت «ملکا ذکر تو گویم که تو پاکی و خدایی/ نروم جز به همان ره که توام راه‌نمایی» با کدام بیت‌ها تناسب دارد؟

الف) در راه تو می‌پویم یاری ز تو می‌جویم خالق تویی و باری جز تو که کند یاری؟

ب) من شکر تو گفتن نتوانم به تمامی گر بر تن من گردد هر موی زبانی

پ) به هر کار پشت و پناهم تویی نمایندهٔ رای و راهم تویی

ت) ملکا مها نگارا صنما بتا بهارا متحیرم ندانم که تو خود چه نام داری

- (۱) الف - ب (۲) ب - پ (۳) ب - ت (۴) الف - پ

۲۶- مفهوم کدام بیت به آیهٔ شریفهٔ «تُعَزُّ مَنْ تَشَاءُ وَ تُذَلُّ مَنْ تَشَاءُ» نزدیک است؟

(۱) یکی را ز ماهی رساند به ماه یکی را که در بند بینی مخند

(۲) یکی را که در بند بینی مخند یکی را ز مه اندر آرد به چاه

۲۷- مفهوم بیت زیر را در یک جمله بنویسید.

«نه بر اوج ذاتش پرد مرغ وهم نه در ذیل وصفش رسد دست فهم»



فصل یکم

ادبیات تعلیمی

بمنده هسان به که ز تقصیر خویش عذر به درگاه خدای آورد
ورنه سزاوار خدافندی اش کس تواند که به جایی آورد

«سعدی»

درس ۱: شکرِ نعمت

کتاب «گلستان» اثر «سعدی» است.

ماجرای این درس ...

در گذشته همه شاعران و نویسندگان در آغاز کار، بخشی رو به سپاسگزاری از خداوند و یادکردن از نعمت‌های او اختصاص می‌دادند. این بخش «تمهیدیه» نام دارد. کتاب «گلستان» که از برهسته‌ترین آثار ادبیات فارسی مفسوب می‌شود، تمهیدیه‌ای عالی و بی‌نظیر دارد که در این درس با اون آشنا می‌شویم.

مَنْتِ خدایِ را، عَزَّ و جَلَّ، که طاعتش موجبِ قربت است و به شکر اندرش مزیدِ نعمت.

مَنْت: سپاس، شکر، نیکویی / عَزَّ و جَلَّ: گرامی، بزرگ و بلندمرتبه است؛ بعد از ذکر نام خداوند به کار می‌رود. / قربت: نزدیکی / مزید: افزونی، زیادی

معنی سپاس و ستایش مخصوص خداوند گرامی و بزرگ است، [خدایی] که اطاعتش سبب نزدیکی به او می‌شود و شکرگزاری او باعث افزایش نعمت می‌گردد. **مفهوم** طاعت و بندگی سبب نزدیکی به خداست. / شکر نعمت، نعمت را زیاد می‌کند. **آرایه** «قربت» و «نعمت»: سجع / تلمیح به آیه «لَئِنْ شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ: اگر شکر کنید [نعمت] را برای شما افزون خواهیم کرد.» (بخشی از آیه ۷ سوره ابراهیم) **دستور** «را»: حرف اضافه به معنی «برای» (مَنْت برای خداست) / «به شکر اندر»: آمدن دو حرف اضافه برای یک متمم / ضمیر «ش» در «به شکر اندرش»: مضاف‌الیه «شکر» (در شکر کردن او) / فعل «است» بعد از «خدای را» و «نعمت» به قرینه لفظی حذف شده است (مَنْتِ خدای را است) / مزید نعمت [است]. / «قربت: نزدیکی» و «غربت: دوری»: هم‌آوا

(نوبتی دی ۱۴۰۲)

سؤال: واژه «هم‌آوا» را در عبارت زیر بیابید و مترادف آن را بنویسید.

«مَنْتِ خدایِ را عَزَّ و جَلَّ که طاعتش موجبِ قربت است.»

پاسخ: قربت: نزدیکی (غربت: دوری)

مُتَمِّد: مددکننده، یاری‌رساننده / مُفَرِّح: شادی‌بخش، فرح‌انگیز / ذات: وجود، هستی

هر نَفْسِ که فرومی‌رود، مُمِدِّ حیات است و چون برمی‌آید، مُفَرِّحِ ذات.

معنی هر نفسی که فرو برده می‌شود، یاریگر زندگی است و هنگامی که بیرون می‌آید شادی‌بخش وجود است. **مفهوم** لطف همیشگی خداوند **آرایه** «فرومی‌رود» و «برمی‌آید»: تضاد / «حیات» و «ذات»: سجع **دستور** فعل «است» بعد از «ذات» به قرینه لفظی حذف شده است (مفَرِّحِ ذات [است]). / «حیات: زندگی» و «حیات: زمین جلو ساختمان»: هم‌آوا

(نوبتی فرورد ۱۴۰۲)

سؤال: واژه‌های پدیدآورنده آرایه لفظی «سجع» در عبارت زیر کدام‌اند؟

«هر نفسی که فرومی‌رود ممد حیات است و چون برمی‌آید مفرح ذات.»

پاسخ: حیات و ذات

(نوبتی شهریور ۹۹ و شهریور ۱۴۰۲)

سؤال: عبارت زیر را به نثر روان معنی کنید.

«هر نفسی که فرومی‌رود ممد حیات است و چون برمی‌آید، مفرح ذات.»

پاسخ: هر نفسی که فرو برده می‌شود، یاریگر زندگی است و هنگامی که بیرون می‌آید، شادی‌بخش وجود است.

(نوبتی دی ۹۸)

سؤال: معنی واژه مشخص شده را بنویسید.

پاسخ: مُتَمِّد: مددکننده، یاری‌رساننده

پس در هر نفسی دو نعمت موجود است و بر هر نعمتی شکر واجب.

معنی پس در هر نفس دو نعمت وجود دارد و برای هر نعمتی باید شکر به جای آورد. **مفهوم** نعمت بی‌پایان خداوند و وجوب سپاس‌گزاری از او **دستور** فعل «است» بعد از «واجب» به قرینه لفظی حذف شده است (شکر واجب است).

عده: وظیفه

از دست و زبان که برآید کز عهده شکرش به در آید؟

معنی از توانایی و گفتار چه کسی ساخته است که وظیفه شکرگزاری از نعمت‌های او را به جای آورد؟ **مفهوم** ناتوانی در سپاسگزاری از خداوند **آرایه** «دست»: مجاز از توانایی یا قدرت / «زبان»: مجاز از گفتار / مصراع اول «استفهام انکاری» دارد^۱ (از دست و زبان کسی بر نمی‌آید). / «دست و زبان»: مراعات نظیر **دستور** «که» در مصراع اول، ضمیر پرسشی است و نقش مضاف‌الیه دارد؛ اما در مصراع دوم پیوند وابسته‌ساز است. / ضمیر «ش» در «شکرش»: مضاف‌الیه (شکر او)

۱. در این کتاب، استفهام یا پرسش انکاری را در موضوع «آرایه» آورده‌ایم، چون در واقع، گونه‌ای از کنایه (پوشیده سخن گفتن) است.

(نهایی شهریور ۹۹)

سؤال: مفهوم بیت زیر در کدام گزینه آمده است؟

- «از دست و زبان که برآید کز عهده شکرش به در آید»
 (۱) ناپایداری قدرت
 (۲) بیگانه‌ستیزی
 (۳) ازجان‌گذشتگی عاشق
 (۴) ناتوانی در سپاس‌گزاری از خداوند

پاسخ: گزینه «۴»؛ ناتوانی در سپاس‌گزاری از خداوند

(نهایی دی ۹۹)

سؤال: معنی بیت زیر را به نثر روان بنویسید.

«از دست و زبان که برآید کز عهده شکرش به در آید»

پاسخ: از توانایی و گفتار چه کسی ساخته است که وظیفه شکرگزاری از [نعمت‌های] او را به جای آورد؟

﴿إِعْمَلُوا آلَ دَاوُدَ شُكْرًا وَقَلِيلٌ مِّنْ عِبَادِيَ الشَّكُورِ﴾

معنی ای خاندان داوود، سپاس‌گزارید و عده کمی از بندگان من سپاس‌گزارند. **مفهوم** سپاس‌گزاری از خداوند

آرایه تضمین قسمتی از آیه ۱۳ سوره سبأ

به: بهتر / تقصیر: گناه، کوتاهی، کوتاهی کردن /
 عذر: توبه، عذرخواهی

بنده همان به که ز تقصیر خویش عذر به درگاه خدای آورد

معنی بهتر است که بنده به خاطر گناه خود از خداوند، طلب بخشش کند. **مفهوم** توصیه به توبه از گناهان **آرایه** «بنده،

تقصیر، عذر و خدای»؛ مراعات نظیر **دستور** فعل «است» بعد از «به» به قرینه معنایی حذف شده است (همان به است).

وَرْنَه، وگرنه، زیرا به جای آوردن،
 انجام‌دادن

وَرْنَه سزاوارِ خداوندی‌اش کس نتواند که به جای آورد

معنی وگرنه کسی نمی‌تواند آن‌گونه که شایسته خداوندی‌اوست، شکرگزاری کند. **مفهوم** ناتوانی در سپاس‌گزاری از خداوند

(نهایی فرورد ۹۸)

سؤال: نوع حذف را در هر یک از موارد زیر تعیین کنید.

الف) بنده همان به که ز تقصیر خویش عذر به درگاه خدای آورد

ب) در هر نفسی دو نعمت موجود است و بر هر نعمتی شکر واجب.

پاسخ: الف) فعل «است» بعد از «به» به قرینه معنایی حذف شده است.

ب) فعل «است» بعد از «واجب» به قرینه لفظی حذف شده است.

بی‌حساب: بی‌شمار / خوان: سفره، سفره فراخ
 و گشاده: بی‌دریغ، بی‌مضایقه، سخاوتمندانه

باران رحمت بی‌حسابش همه را رسیده و خوانِ نعمت بی‌دریغش همه‌جا کشیده.

معنی رحمت بی‌کران الهی مانند باران به همه رسیده و سفره نعمت بی‌مضایقه و سخاوتمندانه‌اش در همه‌جا گسترده

است. **مفهوم** لطف فراگیر و سخاوتمندانه خداوند **آرایه** «باران رحمت» و «خوانِ نعمت»: تشبیه «رحمت و نعمت»:

مشبه: «باران و خوان»؛ مشبه‌به: عبارت کاملاً آهنگین است، زیرا کلمات آن همگی «سجع متوازی» دارند: «باران - خوان»،

«رحمت - نعمت»، «بی‌حسابش - بی‌دریغش»، «همه را - همه‌جا»، «رسیده - کشیده»؛ این آرایه را ترصیع نامیده‌اند. (ویژه

علوم انسانی) **دستور** «را»: حرف اضافه به معنی «به» (به همه رسیده) / فعل «است» در ساختار فعل ماضی نقلی، بعد

از «رسیده» و «کشیده» به قرینه معنایی حذف شده است (رسیده است)؛ (کشیده است) / «خوان: سفره» و «خان:

رئیس، سرور»: هم‌آوا

(نهایی شهریور ۹۸)

سؤال: عبارت روبه‌رو را به نثر روان بازگردانی کنید.

«و خوانِ نعمت بی‌دریغش همه‌جا کشیده.»

پاسخ: و سفره نعمت بی‌مضایقه و سخاوتمندانه‌اش در همه‌جا گسترده است.

ناموس: آبرو، شرافت / فاحش: آشکار،
 واضح / روزی: رزق، مقدار خوراک یا وجه
 معاش که هر کس روزانه به دست می‌آورد
 یا به او می‌رسد / وظیفه: مقرری، وجه
 معاش / وظیفه روزی، رزق مقرّر و معین /
 مُنکر: زشت، ناپسند

پرده ناموسِ بندگان به گناه فاحش نَدرد و وظیفه روزی به خطای مُنکر نَبُرد.

معنی آبروی بندگان را با وجود گناه آشکار نمی‌ریزد و روزی معین آنان را به خاطر انجام اشتباه زشت قطع نمی‌کند.

مفهوم عیب‌پوشی (ستارالعیوب بودن) و روزی‌رسانی (رزاق بودن) خداوند **آرایه** «پرده ناموس»: تشبیه «ناموس»:

مشبه، «پرده»؛ مشبه‌به: / «پرده‌دریدن»: کنایه از رسواکردن / «نَدرد» و «نَبُرد»: سجع

دستور پرده ناموس بندگان^۱

هسته مضاف‌الیه مضاف‌الیه مضاف‌الیه
 (وابسته وابسته)

۱. وابسته‌های وابسته مانند «مضاف‌الیه مضاف‌الیه»، «صفت مضاف‌الیه»، «قید صفت»، «صفت صفت» و «متمم» مربوط به درس‌های هشتم و نهم کتاب است. ما برای تمرین بیشتر، از همین ابتدا آنها را نیز برای شما مشخص کرده‌ایم. می‌توانید نگاهی به ایستگاه دستور دو درس گفته‌شده بیندازید.

(نهایی فردار ۹۸ و دی ۹۸ و دی ۱۳۰۱)

سؤال: عبارت زیر را به نثر روان معنی کنید.

«پردۀ ناموس بندگان به گناه فاحش ندرد و وظیفۀ روزی به خطای منگر نبرد.»

پاسخ: آبروی بندگان را با وجود گناه آشکار نمی‌ریزد و روزی معین آنها را به خاطر انجام اشتباه زشت قطع نمی‌کند.

(نهایی دی ۹۹)

سؤال: با توجه به نوشته زیر، دو مورد از صفات خداوند را بنویسید.

«پردۀ ناموس بندگان به گناه فاحش ندرد و وظیفۀ روزی به خطای منگر نبرد.»

پاسخ: عیب‌پوشی (ستار العیوب‌بودن) و روزی‌رسانی (رزاق‌بودن)

فراش: فرش گستر، گسترندۀ فرش / زمرد: جواهری سبزرنگ / دایه: زنی که به جای مادر به کودک شیر می‌دهد یا از او پرستاری می‌کند. / نبات: جمع بنت، دختران / نبات: گیاه، رُستنی / مهد: گهواره

فراش باد صبا را گفته تا فرش زمردین بگسترد و دایه ابر بهاری را فرموده تا نبات نبات در مهد زمین بپرورد.

معنی: به باد صبا دستور داده تا سبزه‌ها را مانند فرشی سبزرنگ بگستراند و به ابر بهاری فرموده تا مانند پرستاری، گیاه در گهواره زمین پرورش دهد. **مفهوم:** توصیف فصل بهار و زیباشدن طبیعت به فرمان الهی **آرایه:** «فراش باد صبا»، «دایه ابر بهاری»، «بنات نبات» و «مهد زمین»: تشبیه «(باد صبا، ابر بهاری، نبات و زمین»: مشبّه؛ «فراش، دایه، بنات و مهد»: مشبّه‌به) / «فرش زمردین»: استعاره از سبزه‌ها / «گفته و فرموده» و «بگسترد و بپرورد»: سجع / «گفتن به باد صبا»، «فرمودن به ابر بهاری»: تشخیص **دستور:** فعل «است» در ساختار فعل ماضی نقلی بعد از «گفته» و «فرموده» به قرینۀ معنایی حذف شده است (گفته است، فرموده است). / «را» در هر دو جمله: حرف اضافه به معنی «به» («فراش باد صبا را گفته = به فراش باد صبا گفته / دایه ابر بهاری را فرموده: به دایه ابر بهاری فرموده) / فراش و دایه: متمم

(نهایی شهریور ۱۳۰۰)

سؤال: کدام‌یک از واژه‌های مشخص شده در عبارت زیر «مشبّه‌به» است؟

«فراش باد صبا را گفته تا فرش زمردین بگسترد و دایه ابر بهاری را فرموده تا نبات نبات در مهد زمین بپرورد.»

پاسخ: فراش (باد صبا، مشبّه؛ فراش، مشبّه‌به)

(نهایی شهریور ۹۸ و فردار ۱۳۰۰)

سؤال: در عبارت زیر در بخش مشخص شده، کدام آرایه ادبی دیده می‌شود؟

«فراش باد صبا را گفته تا فرش زمردین بگسترد و دایه ابر بهاری را فرموده تا نبات نبات در مهد زمین بپرورد.»

پاسخ: استعاره (فرش زمردین استعاره از سبزه‌هاست.)

(نهایی دی ۱۳۰۰)

سؤال: با توجه به عبارت زیر به سوالات پاسخ دهید.

«فراش باد صبا را گفته تا فرش زمردین بگسترد و دایه ابر بهاری را فرموده تا نبات نبات در مهد زمین بپرورد.»

الف) یک مورد اضافه تشبیهی در متن بیابید. ب) کدام واژه، استعاره است؟ مفهوم آن چیست؟

پاسخ: الف) «فراش باد صبا» (باد صبا را به فراش تشبیه کرده است)، «دایه ابر بهاری» (ابر بهاری را به دایه تشبیه کرده)، «بنات نبات» (بنات یعنی گیاه را به بنات یعنی دختران تشبیه کرده)، «مهد زمین» (زمین را به مهد تشبیه کرده) **ب) کَرَر یک مورد کافّی است.**
ب) «فرش زمردین» استعاره از سبزه‌هاست.

خلعت: جامه‌ای که بزرگی به کسی بخشد. / قبا: جامه، جامه‌ای که از سوی پیش باز است و پس از پوشیدن، دو طرف پیش را با دکمه به هم پیوندند. / وَرَق: برگ / شاخ: شاخه / قُدم: آمدن، قدم‌نهادن، فرارسیدن / موسیم: فصل، هنگام، زمان / ربیع: بهار

درختان را به خلعت نروزی، قبای سبز وَرَق در بر گرفته و اطفال شاخ را به قُدم موسیم ربیع، کلاه شکوفه
بر سر نهاده.

معنی: به عنوان هدیه نروزی، لباس سبزی را از جنس برگ به درختان پوشانده و به خاطر آمدن فصل بهار، شکوفه را مانند کلاهی بر سر شاخه‌های کوچک قرار داده است. **مفهوم:** سرسبز شدن درختان در بهار **آرایه:** «قبای سبز ورق»، «اطفال شاخ» و «کلاه شکوفه»: تشبیه «(ورق، شاخ و شکوفه»: مشبّه؛ «قبای سبز، اطفال و کلاه»: مشبّه‌به) / «گرفته» و «نهاده»: سجع / «درخت، سبز، ورق، شاخ، ربیع و شکوفه»: مراعات‌نظیر / «دادن خلعت به درختان و نهادن کلاه بر سر شاخه»: تشخیص / «بر» و «سر»: جناس ناهمسان (ناقص) **دستور:** «را» در هر دو مورد، فک اضافه است: «درختان را ... در بر» ← در بر درختان / «اطفال شاخ را ... بر سر» ← بر سر اطفال شاخ / فعل «است» بعد از «گرفته» و «نهاده» به قرینۀ معنایی حذف شده است (گرفته است) و نهاده است. / «است».

عصاره تاکی به قدرت او شهد فایق شده و تخم خرمایی به تربیتش نخل باسق گشته.

عصاره: آبی که از فشردن میوه یا چیز دیگر به دست آورند؛ افشره، شیره / تاک: درخت انگور، زَر / شهد: عسل؛ شهد فایق: عسل خالص / فایق: برگزیده، برتر / نخل: درخت خرما / باسق: بلند، بالیده

معنی: شیره درخت انگور به قدرت الهی، به عسل خالص (انگور) تبدیل شده و در اثر توجه و پرورش او، دانۀ خرمایی به درختی بلند و استوار تبدیل شده است. **مفهوم:** قدرت پرورش‌دهندگی خداوند **آرایه:** «شهد فایق»: استعاره از انگور و شیره آن / «فایق و باسق» یا «شده و گشته»: سجع **دستور:** ضمیر «ش» در «تربیتش» مضاف‌الیه است و به «خداوند» بازمی‌گردد. / فعل «است» در ساختار فعل ماضی نقلی بعد از «شده» و «گشته» به قرینۀ معنایی حذف شده است (شده است) و گشته است. / «است».

(نهایی فرداد ۱۴۰۲)

سؤال: عبارت زیر را به نثر روان معنی کنید.

«عصارهٔ تاکی به قدرت او شهد فایق شده.»

پاسخ: شیرۀ درخت انگور به قدرت الهی، به عسل خالص (انگور) تبدیل شده است.

(نهایی ۹۷ و نهایی دی ۱۴۰۲)

سؤال: در عبارت زیر، واژگان «سجع» را بنویسید.

«عصارهٔ تاکی به قدرت او شهد فایق شده و تخم خرمایی به تربیتش نخل باسق گشته.»

پاسخ: «فایق و باسق» / «شده و گشته»

(نهایی شهریور ۱۴۰۰)

سؤال: معنی واژهٔ مشخص شده را بنویسید.

«تخم خرمایی به تربیتش نخل باسق گشته.»

پاسخ: باسق: بلند، بالیده

(نهایی شهریور ۱۴۰۰)

سؤال: در گروه کلمه‌های زیر، یک نادرستی املائی وجود دارد؛ درست آن را بنویسید.

«غرامت و تاوان - اتراق و در جایی ماندن - چریغ آفتاب - چاه غدر ناجوانمردان - آزر م و حیا - گزند و آسیب - عصارهٔ تاک»

پاسخ: «عصارهٔ تاک» املائی صحیح کلمه است.

(نهایی فرداد ۹۹)

سؤال: در گروه کلمه‌های زیر، یک مورد نادرستی املائی وجود دارد؛ درست آن را بنویسید.

«باتق و بلند - فخر و مباحات - بساط تهویه - روضه‌خوانی و نوحه‌سرای»

پاسخ: «باسق و بلند» شکل صحیح املائی کلمه است.

(نهایی شهریور ۹۸)

سؤال: در عبارت زیر، یک نادرستی املائی وجود دارد، آن را بیابید و شکل درست آن را بنویسید.

«عصارهٔ تاکی به قدرت او شهد فایغ شده.»

پاسخ: «فایق» املائی صحیح کلمه است.

مه: مخفف ماه / فلک: آسمان

ابرو باد و مه و خورشید و فلک در کارند تا تو نانی به کف آری و به غفلت نخوری

معنی ای انسان، تمام پدیده‌های هستی در تلاش‌اند تا تو بتوانی روزی خود را به دست آوری و غافل از خداوند از آن استفاده نکنی. **مفهوم** بهره‌مندی از نعمت و غافل‌نشدن از پروردگار رزاق **آرایه** «ابرو باد و مه و خورشید و فلک»: مراعات‌نظیر و مجاز از همهٔ پدیده‌های هستی / تکرار مصوت «ت» در مصراع اول: واج‌آرایی / «نان»: مجاز از روزی / «کف»: مجاز از دست / «به کف آوردن»: کنایه از تهیته کردن **دستور** مرجع ضمیر «تو»، انسان است.

(نهایی دی ۱۴۰۲)

سؤال: مفهوم کنایهٔ مشخص شده را بنویسید.

«تا تو نانی به کف آری و به غفلت نخوری»

پاسخ: روزی به دست آوری

از بهر: برای، به خاطر / سرگشته: حیران، متحیر، آواره، آشفته / فرمانبردار: مطیع

همه از بهر تو سرگشته و فرمانبردار شرط انصاف نباشد که تو فرمان نبری

معنی تمام آفرینش مطیع و فرمانبردار تو هستند؛ منصفانه نیست که تو فرمانبردار خداوند نباشی. **مفهوم** یادکردن از خداوند و فرمان‌بردن از او **آرایه** تکرار صامت «ر»: واج‌آرایی **دستور** مرجع ضمیر «تو» انسان است. / فعل «هستند» بعد از «فرمانبردار» به قرینهٔ معنایی حذف شده است. (فرمانبردار هستند) / «بهر: برای» و «بحر: دریا»: هم‌آوا

(نهایی دی ۱۴۰۰)

سؤال: املائی درست را از داخل کمانک انتخاب نمایید.

«همه از (بهر - بحر) تو سرگشته و فرمانبردار شرط انصاف نباشد که تو فرمان نبری»

پاسخ: «بهر» املائی صحیح است. («بهر»: برای / «بهر»: دریا)

(نهایی فرداد ۹۹)

سؤال: در بیت «همه از بهر تو سرگشته و فرمانبردار / شرط انصاف نباشد که تو فرمان نبری»:

الف) کدام فعل حذف شده است؟ ب) نوع حذف را بنویسید.

پاسخ: الف) فعل «هستند» از پایان مصراع اول حذف شده است.

ب) حذف به قرینهٔ معنایی صورت گرفته است.

در خبر است از سرور کاینات و مَفخَر موجودات و رحمتِ عالمیان و صَفوتِ آدمیان و تَتَمُّهٔ دورِ زمان، محمّد مصطفی، صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ،

معنی در حدیث آمده است از پیامبر اسلام که سرور موجودات و مایهٔ افتخار آفریدگان و رحمت خداوند بر جهانیان است و برگزیدهٔ انسان‌هاست و مایهٔ کمال گردش روزگار است، که درود خداوند بر او و خاندانش باد، **مفهوم** یاد کردن از بزرگی پیامبر (ص) // «تتمه دور زمان» به خاتم‌التبی بودن پیامبر اشاره دارد.

نکته: حدیث پیامبر (ص) پس از بیت‌های بعدی آمده است (در خبر است هر گاه ...).

شَفِيعٌ مُطَاعٌ نَبِيُّ كَرِيمٍ قَسِيمٌ جَسِيمٌ نَسِيمٌ وَسِيمٌ

معنی او شفاعت‌کننده، فرمانروا، پیام‌آور، بخشنده، زیبا، خوش‌اندام، خوش‌بو و دارای نشان پیامبری است. **مفهوم** بیان صفات پیامبر (ص) **آرایه** تکرار مصوت «س» و هم‌چنین صامت «س» در مصراع دوم: واج‌آرایی / قسیم، جسیم، نسیم و وسیم: جناس ناهمسان (ناقص)

بَلَّغَ الْعُلَى بِكَمَالِهِ، كَسَفَ الدُّجَى بِجَمَالِهِ حَسَنَتْ جَمِيعُ خِصَالِهِ، صَلُّوا عَلَيْهِ وَ آلِهِ

معنی به واسطهٔ کمال خود به مرتبهٔ بلند رسید و با جمال نورانی خود، تاریکی‌ها را برطرف کرد؛ همهٔ خوبی‌ها و صفات او زیباست، بر او و خاندانش درود بفرستید. **مفهوم** عظمت پیامبر (ص)

چه غم دیوارِ اَمّت را که دارد چون تو پشتیبان؟

چه باک از موجِ بحرِ آن را که باشد نوح کشتیان؟

معنی ای پیامبر، وقتی مسلمانان پشتیبانی چون تو دارند، غمی از آسیبی ندارند؛ همان‌طور که کسی که ناخدا و کشتیان او نوح باشد، از موج و طوفان دریا ترسی ندارد. **مفهوم** تکیه بر حمایت پیامبر (ص) **آرایه** «چه غم؟» و «چه باک؟»: استفهام انکاری (غمی ندارد؛ باکی ندارد) // «دیوار اَمّت»: تشبیه «اَمّت»: مشبّه «دیوار»: مشبّه‌به) - تشبیه «تو»: مشبّه «پشتیبان»: مشبّه‌به) // **نگاهی به آینده** بیت «اسلوب معادله» دارد. / مصراع دوم به «داستان حضرت نوح» تلمیح دارد. // «دیوار و پشتیبان» و «موج، بحر، نوح و کشتیان»: مراعات‌نظیر **دستور** ضمیر «تو» به پیامبر (ص) برمی‌گردد.

(نوایی فردر ۱۴۰۲)

سؤال: در بیت زیر، کاربرد آرایه‌های «تشبیه»، «مراعات‌نظیر»، «تلمیح» و «.....» مشهود است.

«چه غم دیوارِ اَمّت را که دارد چون تو پشتیبان چه باک از موجِ بحرِ آن را که باشد نوح کشتیان»
پاسخ: اسلوب معادله

(نوایی فردر ۹۹)

سؤال: درستی یا نادرستی آرایهٔ مقابل بیت را مشخص کنید.

«چه غم دیوارِ اَمّت را که دارد چون تو پشتیبان چه باک از موجِ بحرِ آن را که باشد نوح کشتیان» (اسلوب معادله)
پاسخ: درست است؛ مصراع دوم، مثالی برای مصراع اول است و دو مصراع، استقلالِ دستوری دارند.

(نوایی دی ۹۷ و دی ۱۴۰۲)

سؤال: مصراع «چه غم دیوارِ اَمّت را که دارد چون تو پشتیبان؟» چه مفهومی دارد؟

پاسخ: حمایت پیامبر اکرم (ص) موجب دلگرمی و نجات است.

هر گه که یکی از بندگان گنهگارِ پریشان‌روزگار، دستِ اِنابت به امیدِ اِجابت به درگاهِ حقِ جَلّ و علا بردارد، ایزدِ تعالی در او نظر نکند.

معنی هر زمان که یکی از بندگان گناهکار و بیچاره، دست خود را به نشانهٔ توبه و با امید پذیرش توبه‌اش به سمت خداوند بزرگ و والامقام بردارد، خداوند بلندمرتبه به او توجهی نمی‌کند. **مفهوم** توبهٔ بنده و عدم توجه خداوند به او / عزّت و جلالِ ساحتِ الهی **آرایه** «انابت» و «اجابت»: جناس ناهمسان (ناقص) // «نظر نکردن»: کنایه از توجه نکردن **دستور** «دست انابت»: اضافهٔ اقترانی

کالبدشکافی

به ترکیب‌های مشخص‌شدهٔ زیر دقت کنید:

① **دستِ طمع**، آدمی را خفه خواهد کرد: «طمع» مانند موجودی زنده «دست» دارد.
مشبه ادات تشبیه مشبّه‌به
وجه‌شبه
(یکی از اجزای مشبّه‌به)

شفیع: شفاعت‌کننده، پیامبر / مطاع: فرمانروا، اطاعت‌شده، کسی که دیگری فرمان او را می‌بزد / نبی: پیغمبر، پیام‌آور، رسول / قسیم: صاحب جمال / جسیم: خوش‌اندام / نسیم: خوش‌بو / وسیم: دارای نشان پیامبری

پشتیبان: چوبی که به جهت استحکام بر دیوار نصب کنند / باک: ترس / بحر: دریا

انابت: بازگشت به سوی خدا، توبه، پشیمانی / اجابت: پذیرفتن / تعالی: بلندمرتبه / جَلّ و علا: بزرگ و والامقام

◀ **گردنِ ظلم** را باید شکست: «ظلم» مانند موجودی زنده «گردن» دارد.

مشبهه ادات تشبیه مشبه‌به وجه‌شبهه
(یکی از اجزای مشبه‌به)

به این ترکیب‌ها که از «یکی از اجزای مشبه‌به» (وجه‌شبهه) + «مشبهه» ساخته می‌شوند، «اضافه استعاری» می‌گوییم؛ مانند: جنگال ستم، بال خیال، قهقهه فشنگ، سقف شب (شب به ساختمانی تشبیه شده که سقف جزئی از آن است)، قلّه آرزو (آرزو به کوهی تشبیه شده که قلّه جزئی از آن است). اکنون به ترکیب‌های مشخص‌شده زیر دقت کنید:

◀ شاگرد در برابر استادش **دستِ ادب** به سینه نهاد: دست را «به نشانه» ادب به سینه نهاد.

◀ **گردنِ غرور** برافراشت و به راه افتاد: گردن را «به نشانه» غرور برافراشت.

◀ **دستِ دعا** به سوی خداوند بلند کرد: دست را «به نشانه» دعا بلند کرد.

◀ قاضی **قلمِ بخشش** بر جرم‌هایش کشید: قلم را «به نشانه» بخشش کشید.

به این ترکیب‌ها که می‌توان بین آنها از «به نشانه» یا «برای» استفاده کرد، «اضافه اقترانی» می‌گوییم.

بازش بخواند؛ باز اعراض فرماید. بار دیگرش به تَصَرُّع و زاری بخواند.

بخواند، صدا کند / اعراض، روی گرداندن
از کسی یا چیزی، روی گردانی / تَصَرُّع،
زاری کردن، التماس کردن

معنی دوباره آن بنده، خداوند را صدا می‌کند، باز هم خداوند روی برمی‌گرداند. بار دیگر با التماس و زاری خداوند را صدا می‌زند.

مفهوم اصرار و پافشاری بنده در توبه به درگاه الهی **دستور** ضمیر «ش» در «بازش» و «بار دیگرش» مفعول است و مرجع آن «خداوند» است. (باز او را بخواند؛ بار دیگر او را بخواند)

◀ **حق، سُبْحَانَهُ و تَعَالَى فرماید: یا مَلَأْتُكَ قَدْ اسْتَحْيَيْتُ مِنْ عِبْدِي و لَيْسَ لَهُ غَيْرِي فَقَدْ غَفَرْتُ لَهُ.**

معنی خداوند پاک و بلندمرتبه می‌فرماید: ای فرشتگانم، من از بنده خود شرم دارم و او جز من پناهی ندارد، پس او را آمرزیدم.

مفهوم نهایت بزرگی خداوند و بخشش او / خداوند، تنها پناه بندگان است.

◀ **دعوتش اجابت کردم و امیدش برآوردم که از بسیاری دعا و زاری بنده همی شرم دارم.**

دعوت، درخواست / اجابت کردم، پاسخ
دادم، برآوردم

معنی درخواست بنده را پاسخ دادم و او را به آرزویش رساندم، زیرا از اینکه بنده من بسیار دعا و زاری کند،

شرم می‌کنم. **مفهوم** عفو و پذیرفتن دعای بندگان **آرایه** «کردم» و «برآوردم»: سجع **دستور** ضمیر «ش» در «دعوتش» و «امیدش»: مضاف‌الیه (دعوت او - امید او)

◀ **کَرَمِ بَيْنِ و لطفِ خدائندگان گُنه بنده کرده‌ست و او شرمسار**

کرم، بزرگواری

معنی بزرگواری و لطف خداوند را ببین که بنده گناه کرده است و او شرمنده است. **مفهوم** بزرگواری و لطف

پروردگار **آرایه** تلمیح به حدیث «یا مَلَأْتُكَ قَدْ اسْتَحْيَيْتُ مِنْ عِبْدِي و لَيْسَ لَهُ غَيْرِي فَقَدْ غَفَرْتُ لَهُ: ای فرشتگانم، من از بنده خود شرم دارم و او جز من پناهی ندارد، پس او را آمرزیدم.» **دستور** فعل «است» بعد از «شرمسار» به قرینه لفظی حذف شده است. (گنه بنده کرده است و او شرمسار است.)

(نهایی شهریور ۱۴۰۲)

◀ **سؤال:** در بیت زیر، نوع حذف فعل (قرینه لفظی / معنایی) را مشخص کنید.

«کرم بین و لطف خدائندگان گنه بنده کرده‌ست و او شرمسار»

پاسخ: قرینه لفظی؛ فعل «است» بعد از «شرمسار» به قرینه لفظی حذف شده است. (گنه بنده کرده است و او شرمسار است.)

(نهایی شهریور ۱۴۰۰)

◀ **سؤال:** بیت زیر را به نثر روان معنی کنید.

«کرم بین و لطف خدائندگان گنه بنده کرده است و او شرمسار»

پاسخ: بزرگواری و لطف خداوند را ببین که بنده گناه کرده است و او شرمنده است.

عاکفان، جمع عاکف، کسانی که در
مذتی معین در مسجد بمانند و به عبادت
بپردازند. / جلال، بزرگی / معترف،
اقرارکننده، اعتراف‌کننده / واصفان، جمع
واصف، وصف‌کنندگان، ستاینندگان / جلیه،
زیور، زینت / جمال، زیبایی / تحیر، سرگستگی،
سرگردانی / منسوب، نسبت داده شده

◀ **عاکفان کعبه جلالش به تقصیر عبادت معترف که: «ما عبدناك حقَّ عبادتك» و واصفان جلیه جمالش به تحیر منسوب که: «ما عرفناك حقَّ معرفتك».**

معنی گوشه‌نشینان بارگاه پرشکوهش به کوتاهی خود در عبادت اقرار می‌کنند و می‌گویند: «آن چنان که شایسته توست تو را عبادت نکردیم» و توصیف‌کنندگان زیور زیبایی خداوند در حیرت‌اند و می‌گویند: «آن چنان که سزاوار توست تو را نشناختیم.» **مفهوم** ناتوانی در پرستش و شناخت خداوند **آرایه** «کعبه جلال» و «جلیه جمال»: تشبیه («جلال و جمال»: مشبهه؛ «کعبه و جلیه»: مشبه‌به) / «جلال» و «جمال»: جناس ناهمساز (ناقص) / «ما عبدناك حقَّ عبادتك» و «ما عرفناك حقَّ معرفتك»: تضمین حدیث پیامبر (ص) / **دستور** فعل «هستند» بعد از «معترف» و «منسوب» به قرینه معنایی حذف شده است. / «منسوب: نسبت داده شده» و «منسوب: به شغل و مقامی گماشته‌شده»: هم‌آوا

نکته: مفهوم عبارت «واصفان حلیه جملش به تحیر منسوب که ما عرفناک حق معرفتک» از این بیت سعدی قابل استنباط است:

«هیچ نقاشت نمی‌بیند که نقشی برکشد»

وان که دید، از حیرتش کلک از بنان افکنده‌ای»

معنی: هیچ نقاشی تو را نمی‌بیند تا تصویری از تو بیافریند و آن کسی هم که تو را دید، از فرط حیرت، قلم از دستش انداخته‌ای.

مفهوم: ناتوانی در شناخت خداوند **آرایه:** نقاش، نقش، کلک: مراعات‌نظیر / کلک از بنان کسی افکندن: کنایه از متحیر و ناتوان‌ساختن او (در تصویرگری) **دستور:** ضمیر «ت» در «نقاشت» مفعول (هیچ نقاش، تو را نمی‌بیند) / ضمیر «ش» در «حیرتش»: مضاف‌الیه «بنان» (از حیرت، کلک از بنان او افکنده‌ای).

سؤال: املای درست را از داخل کمانک انتخاب کنید. «واصفان حلیه جملش به تحیر (منسوب - منسوب)»

پاسخ: «منسوب» صحیح است. (نهایی فرردار ۹۹ و فرردار ۱۴۰۰)

سؤال: معنی واژه مشخص‌شده را بنویسید. «عاکفان کعبه جلالش به تقصیر عبادت معترف.»

(نهایی دی ۹۹)

پاسخ: عاکفان: جمع عاکف، کسانی که در مدتی معین در مسجد بمانند و به عبادت بپردازند.

سؤال: مفهوم کلی مصراع دوم بیت زیر با کدام گزینه مناسبت دارد؟

(نهایی فرردار ۹۸)

«هیچ نقاشت نمی‌بیند که نقشی برکشد»

وان که دید از حیرتش کلک از بنان افکنده‌ای»

۱) «ما عبدناک حق عبادتک»

۲) «ما عرفناک حق معرفتک»

پاسخ: گزینه «۲»؛ مفهوم مشترک هر دو: ناتوانی از درک خداوند است.

گر کسی وصف او ز من پرسد بی‌دل از بی‌نشان چه گوید باز؟

گوید باز، بازگو کند

معنی: اگر کسی از من بخواهد که خداوند را برایش توصیف کنم، من که عاشق او هستم چگونه از او که بی‌نشان است چیزی بگویم؟ **مفهوم:** ناتوانی در وصف خداوند **آرایه:** «بی‌دل»: کنایه از عاشق / «بی‌نشان»: کنایه از خداوند / «چه گوید باز؟»: استفهام انکاری (نمی‌تواند چیزی بگوید). **دستور:** منظور از «او» خداوند است.

عاشقان کشتگان معشوقاند برنیاید ز کشتگان آواز

آواز: [در اینجا] صدا

معنی: عاشقان، خود را فدای معشوق کرده‌اند؛ از آن کس که کشته شده سخنی شنیده نمی‌شود. **مفهوم:** نیست‌شدن و خاموشی در عشق / سکوت عارفانه **آرایه:** تکرار صامت «ش»: واج‌آرایی / علت سکوت عاشقان، زنده‌نبودن ایشان است: حسن تعلیل / «کشتگان»: تکرار **دستور:** «کشتگان» در مصراع اول «مسند» و در مصراع دوم «متمم» است.

یکی از صاحب‌دلان سر به جیب مراقبت فرو برده بود و در بحر مکاشفت مستغرق شده؛

صاحب‌دل: عارف / جیب: گریبان، یقه / مراقبت: در اصطلاح عرفانی، کمال توجه بنده به حق و یقین بر اینکه خداوند در همه احوال، عالم بر ضمیر اوست؛ نگاه داشتن دل از توجه به غیر حق / بحر: دریا / مکاشفت: کشف کردن و آشکاراساختن، در اصطلاح عرفانی، بی‌بردن به حقایق است. / مستغرق: غرق

معنی: یکی از عارفان به حالت تفکر و تأمل فرو رفته بود و در دریای کشف حقایق غرق شده بود. **مفهوم:** پاک کردن قلب از غیر خدا برای درک اسرار الهی **آرایه:** «سر به جیب فرو بردن»: کنایه از گوشه‌گیری / «بحر مکاشفت»: تشبیه («مکاشفت»: مشبه، «بحر»: مشبه‌به) / «مستغرق شدن در چیزی»: کنایه از تمام وجود را متوجه چیزی کردن / «برده» و «شده»: سجع **دستور:** «جیب مراقبت»: اضافه اقترانی (سر را به «جیب» به منظور «مراقبت» فرو برده بود). فعل «بود» بعد از «شده» به قرینه لفظی حذف شده است (مستغرق شده [بود]).

سؤال: واژه مشخص‌شده را در عبارت زیر معنا کنید.

(نهایی شهریور ۱۴۰۲)

«یکی از صاحب‌دلان سر به جیب مراقبت فرو برده بود.»

پاسخ: جیب: گریبان، یقه

سؤال: عبارت روبه‌رو را به نثر روان معنی کنید.

(نهایی فرردار ۹۹)

«یکی از صاحب‌دلان سر به جیب مراقبت فرو برده بود.»

پاسخ: یکی از عارفان، به حالت تفکر و تأمل فرو رفته بود.

سؤال: معادل درست توضیح عرفانی زیر را از داخل کمانک انتخاب کنید.

(نهایی فرردار ۹۸)

«کمال توجه بنده به حق و یقین بر اینکه خداوند در همه احوال، عالم بر ضمیر اوست. (مراقبت - مکاشفت)»

پاسخ: مراقبت

آنکه که از این معاملات بازآمد، یکی از یاران به طریق انبساط گفت: «از این بوستان که بودی، ما را چه تحفه کرامت کردی؟»

معاملت: اعمال عبادی، احکام و عبادات شرعی، در اینجا مقصود همان کار مراقبت و مکاشفت است. / انبساط: حالتی که در آن، احساس یگانگی و ملاحظه و رودربایستی نباشد؛ خودمانی شدن / تحفه: هدیه، ارمغان / کرامت کردن، عطا کردن، بخشیدن

معنی: وقتی که از آن حالت مراقبه و مکاشفه بیرون آمد، یکی از دوستان از روی صمیمیت از او پرسید: «از آن عالم غیب چه هدیه‌ای برای ما آورده‌ای؟» **مفهوم:** بیرون‌آمدن از سیر معنوی **آرایه:** «بوستان»: استعاره از عالم معنویت / «بودی» و «کردی»: سجع **دستور:** «را»: حرف اضافه به معنی «برای» (برای ما)

«یکی از یاران به طریق انبساط گفت: از این بوستان که بودی، ما را چه تحفه کرامت کردی؟»

پاسخ: به شیوه صمیمی و خودمانی

گفت: «به خاطر داشتم که چون به درخت گل رسم، دامنی پُر کنم هدیه اصحاب را.»

معنی: گفت: در نظرم بود وقتی به منشأ معرفت الهی می‌رسم، مقداری از آن معارف و حقایق را به عنوان هدیه برای دوستان بیاورم. **مفهوم:** به یاد دوستان بودن **آرایه:** «درخت گل»: استعاره از معرفت الهی **دستور:** «را»: حرف اضافه به معنی «برای» (برای هدیه اصحاب)

چون برسیدم، بوی گلم چنان مست کرد که دامنم از دست برفت!

معنی: وقتی به درگاه الهی رسیدم، جلوه‌ای از جمال حق، چنان سرمستم کرد که اختیار خود را از دست دادم. **مفهوم:** حیرت و سرگستگی در برابر خداوند (معشوق) **آرایه:** «بوی گل»: استعاره از جلوه خداوند / «از دست رفتن دامن»: کنایه از بی‌اختیار شدن / «مست» و «دست»: جناس ناهمسان (ناقص) **دستور:** ضمیر «م» در «گلم» مفعول است. (بوی گل چنان مستم کرد = من را مست کرد.) / **نگاهی به آینده:** مست: مسند / ضمیر «م» در «دامنم» مضاف‌الیه «دست» است. (دامن از دستم برفت.)

الف) جمله پایه (هسته) را مشخص کنید.

ب) نقش دستوری واژه‌های مشخص شده را به ترتیب بنویسید.

پاسخ: الف) بوی گلم چنان مست کرد. که: پیوند وابسته‌ساز / دامنم از دست برفت: جمله پیرو - «پون»: پیوند وابسته‌ساز / برسیدم: جمله پیرو؛ در این‌جا، دو جمله پیرو داریم.

ب) «م»: مفعول / مست: مسند

«بوی گلم چنان مست کرد که دامنم از دست برفت.»

پاسخ: اختیارم را از دست دادم یا از خود بی‌خود شدم.

مرغ سحر، بلبل، هزارستان

ای مرغ سحر! عشق ز پروانه بیاموز **کان سوخته را جان شد و آواز نیامد**

معنی: ای بلبل، عشق را از پروانه بیاموز، زیرا او عاشقی است که جانش را فدای معشوق خود (شمع) کرد و سخنی از او شنیده نشد. **مفهوم:** عاشق واقعی، رازدار و فداکار و بی‌ادعاست. / سکوت عارفانه **آرایه:** مرغ سحر: نماد مدعیان دروغین راه عشق / پروانه: نماد عاشقان راستین / آمدن حرف ندای «ای» و فعل «بیاموز» برای «مرغ سحر»: تشخیص / سوخته: کنایه از پروانه **دستور:** «را»: فک اضافه (آن سوخته را جان = جان آن سوخته) / شد: در معنای «رفت» و غیراسنادی / **جان آن سوخته شد.** **نگاهی به آینده:** «آن»: صفت مضاف‌الیه (وابسته وابسته) نهاد صفت مضاف‌الیه مضاف‌الیه فعل غیراسنادی (وابسته وابسته)

مدعی: ادعاکننده، خواهان

این مدعیان در طلبش بی‌خبران‌اند **کان را که خبر شد، خبری باز نیامد**

معنی: این افرادی که مدعی رسیدن به عشق الهی هستند درواقع از خداوند بی‌خبرند، زیرا کسی که به شناخت خداوند برسد، در او محو می‌شود و خبری از او به دیگران نمی‌رسد. **مفهوم:** عاشق واقعی، رازدار و فداکار و بی‌ادعاست. / سکوت عارفانه / «را»: حرف اضافه به معنی «از» (کان را که خبر شد، خبری باز نیامد = از آن کسی که باخبر شد، خبری باز نیامد.)

«این مدعیان در طلبش بی‌خبران‌اند

کان را که خبر شد خبری باز نیامد»
 ۱) رازداری و سکوت عاشق ۲) اشتیاق پایان‌ناپذیر عاشق ۳) شادی‌آفرینی ۴) از ماست که بر ماست

پاسخ: گزینه «۱»؛ رازداری و سکوت عاشق

ایستگاه آرایه

تشبیه: تشبیه یکی از مهم‌ترین و پرکاربردترین آرایه‌های ادبی است. چهار پایه (رکن)، آرایه تشبیه را پدید می‌آورند. این چهار پایه، مشبّه، مشبّه‌به، وجه‌شبه و ادات تشبیه هستند. در جمله «دل من همچون آسمان ابری، تیره و تار است.»:

- ۱ «دل من» مشبّه است. مشبّه چیزی است که آن را به چیزی دیگر مانند می‌کنیم.
- ۲ «آسمان ابری» مشبّه است. مشبّه چیزی است که مشبّه را به آن مانند کرده‌ایم.
- ۳ «تیره و تار بودن» وجه‌شبهه است. وجه‌شبهه ویژگی مشترک میان مشبّه و مشبّه‌به است.
- ۴ «همچون» ادات تشبیه است. ادات تشبیه کلمه‌ای است که شباهت را با آن بیان می‌کنیم.

نکته: حضور مشبه و مشبّه‌به برای پدیدآمدن آرایه تشبیه الزامی است؛ اما وجه‌شبهه و ادات تشبیه، هر یک به تنهایی یا هر دو با هم ممکن است حذف شوند.

مثال: دل من همچون آسمان ابری است این سطر هم (وجه‌شبهه حذف شده است).

دل من در تیرگی و تاری، آسمانی ابری است (ادات تشبیه حذف شده است).

دل من آسمان ابری است (وجه‌شبهه و ادات تشبیه، هر دو حذف شده‌اند).

نکته: گاهی پس از حذف وجه‌شبهه و ادات تشبیه می‌توانیم مشبّه و مشبّه‌به را به صورت یک ترکیب اضافی (مضاف و مضاف‌الیه) بیاوریم.

مثال: آسمان دل (دل) مشبّه و «آسمان» مشبّه‌به است.

مضاف مضاف‌الیه

به این نوع از تشبیه، اضافه تشبیه می‌گوییم.

«استعاره» (نوع اول): استعاره را می‌توان زیباترین آرایه ادبی دانست! می‌خواهیم نحوه پدیدآمدن استعاره را بررسی کنیم. یک موقع ما برای بیان شباهت میان دو چیز از آرایه «تشبیه» استفاده می‌کنیم؛ مثلاً می‌گوییم: «پدر و مادر مانند خورشید و ماه، فضای خانه را هر لحظه روشن می‌کنند.» «پدر و مادر» در جمله بالا مشبّه است که به «خورشید و ماه» که مشبّه‌به‌اند، مانند شده است، وجه‌شبهه «هر لحظه فضای خانه را روشن کردن» و ادات تشبیه، «مانند» است.

حالا اگر مشبّه را کنار بگذاریم و مشبّه‌به را به جای آن بگوییم، **استعاره** شکل می‌گیرد:

خورشید و ماه فضای خانه را هر لحظه روشن می‌کنند.

در این حالت می‌گوییم «خورشید و ماه» استعاره از «پدر و مادر» هستند. نمونه‌های دیگر:

یکی درخت گل اندر میان خانه ماست که سروهای چمن پیش قامتش پستند

در این بیت، سعدی در ذهن خودش، محبوبش را به درخت گل مانند کرده است (یعنی تشبیه ساخته است)؛ سپس مشبّه (یعنی محبوب) را کنار گذاشته و فقط مشبّه‌به (درخت گل) را آورده است؛ در این حالت، «درخت گل» استعاره از «محبوب» است.

نماد: در نظر بگیرید پارچه سفیدی از پنجره خانه روبه‌روی شما آویزان است و باد آن را تکان می‌دهد. آیا این تصویر، الزاماً بیانگر موضوع خاصی است؟ قطعاً نه.

حالا این تصویر را در نظر بگیرید: دشمن شهر شما را تسخیر کرده و تانک‌ها و سربازان بیگانه در خیابان در حال حرکت‌اند. همسایه روبه‌روی شما، پارچه سفیدی را از پنجره آویزان کرده و آن را تکان می‌دهد. به نظر شما، این تصویر حامل پیامی است یا مانند تصویر نخست، بیانگر موضوع خاصی نیست؟ فکر کنم قبول دارید که پارچه سفید (یا پرچم سفید) در حالت دوم، نشانه صلح و بیانگر تسلیم یا دوستی است؛ در این حالت می‌گوییم پارچه سفید، نماد صلح و دوستی (یا تسلیم‌شدن) است.

چند نماد مشهور: «پارچه سیاه» نماد سوگواری؛ «گل سرخ» نماد عشق؛ «لاله» نماد شهید؛ «شب» نماد خفقان و ظلم و «صبح» (یا سحر) نماد آزادی و پیروزی است. در این درس نیز «بلبل» نماد عاشق مدعی و دروغین و «پروانه» نماد عاشق حقیقی است.

ایهام یعنی «به گمان افکندن» و «سر دوراهی قراردادن». اگر در یک بیت یا یک جمله، با کلمه‌ای روبه‌رو شویم که حداقل دو معنی داشته باشد و هر دو معنی آن هم قابل قبول باشند، در این صورت آن کلمه ایهام دارد. پس ایهام، آوردن واژه‌ای است با حداقل دو معنی که هر دو معنی آن مورد نظر شاعر بوده باشد. به مثال زیر دقت کنید:

«آواز تیشه امشب از بیستون نیامد گویا به خواب شیرین فرهاد رفته باشد» **مژین لاهیجی**

در این بیت «شیرین» ایهام دارد، زیرا «شیرین» هم به معنی «خوش» و هم نام «معشوق فرهاد» است و هر دو معنی را هم می‌توان در شعر جای گذاری کرد: امشب صدای تیشه از کوه بیستون نمی‌آید، احتمالاً فرهاد **۱** به خواب «خوش» رفته است. یا **۲** به خواب «شیرین‌خانم» رفته است.

پس برای به وجود آمدن آرایه ایهام باید دو اتفاق صورت بگیرد:

- ۱ کلمه‌ای دارای دو معنی باشد. **۲** هر دو معنی در جمله قابل جای گذاری باشد.

برای فهمیدن و پیدا کردن آرایه ایهام باید از معانی مختلف واژه‌ها آگاه باشیم و کلمات «ایهام‌دار» را خوب بشناسیم. در جدول زیر فهرستی از واژه‌های ایهام‌دار مهم را برای شما آورده‌ایم (لازم نیست این جدول را حفظ کنید، بلکه باید در اثر مراجعه فراوان به این جدول، واژه‌های چندمعنایی و معانی آنها ملکه ذهن شما شود):

واژه	معانی دوگانه	واژه	معانی دوگانه
آهو	۱- غزال ۲- عیب	پیاده	۱- متضاد سوار ۲- مهره‌ای در شطرنج (= سرباز)
آیت	۱- آیه قرآن ۲- نشانه	پیل (فیل)	۱- نام حیوان ۲- مهره‌ای در شطرنج
اسب	۱- اسب ۲- مهره‌ای در شطرنج	تار	۱- رشته مو ۲- تاریک ۳- نوعی ساز
افتاده	۱- بر زمین افتاده ۲- متواضع	تفسیر	۱- شرح و بیان ۲- تفسیر قرآن
بار	۱- مرتبه ۲- محموله ۳- میوه ۴- اجازه حضور	چنگ	۱- دست ۲- نوعی ساز
باز	۱- پرنده شکاری ۲- دوباره ۳- گشاده	چین	۱- نام کشور ۲- پیچ و تاب
بازی	۱- باز (= پرنده شکاری) بودن ۲- بازی کردن	داد	۱- عدل ۲- فریاد ۳- فعل ماضی سوم شخص مفرد از مصدر «دادن»
برآید	۱- ممکن باشد ۲- طلوع کند	دار	۱- درخت ۲- چوبه اعدام
بو	۱- رایحه ۲- آرزو	دارا	۱- داریوش ۲- ثروتمند
بوستان	۱- نام کتاب سعدی ۲- باغ	درگرفتن	۱- اثر کردن ۲- مشتعل شدن
پرده	۱- پوشش و حجاب ۲- نغمه موسیقی	دستان	۱- زال (= نام پدر رستم) ۲- نیرنگ ۳- نغمه ۴- دست‌ها
پروانه	۱- اجازه ۲- نوعی حشره	دوش	۱- دیشب ۲- کتف
راست	۱- درست ۲- جهت راست (متضاد چپ)	مدام	۱- شراب ۲- پیوسته
رخ	۱- چهره ۲- مهره‌ای در شطرنج	مردم	۱- مردمک چشم ۲- انسان‌ها
روان	۱- روح ۲- جاری	مشتری	۱- خریدار ۲- سیاره مشتری
رود	۱- رودخانه ۲- نوعی ساز ۳- فرزند	منصور	۱- پیروز ۲- نام حلاج، عارف مشهور
روزی	۱- یک روز ۲- رزق و روزی	مهر	۱- خورشید ۲- محبت ۳- ماه مهر
زال	۱- پیر ۲- نام پدر رستم	نای	۱- حلق ۲- نی
سو	۱- سمت و جهت ۲- نور چشم	نقد	۱- سکه و پول ۲- بررسی
شانه	۱- کتف ۲- ابزار آرایش مو	نگران	۱- نگاه‌کننده ۲- دلواپس
شاه	۱- پادشاه ۲- مهره‌ای در شطرنج	نهاد	۱- ذات ۲- فعل ماضی سوم شخص مفرد از مصدر «نهادن»
شکر	۱- ماده سفید شیرین ۲- نام همسر خسرو	حافظ	۱- نام شاعر معروف ۲- حافظ قرآن
شور	۱- غوغا ۲- نوعی مژه ۳- دستگاهی در موسیقی	حدیقه	۱- نام کتابی از سنایی ۲- باغ
قانون	۱- نوعی ساز ۲- مقررات ۳- اسم کتاب ابن سینا	حلاج	۱- پنهان ۲- لقب عارف مشهور
قلب	۱- دل ۲- سکه تقلبی ۳- دگرگون کردن	خلیل	۱- دوست ۲- لقب حضرت ابراهیم (ع)
قلم	۱- ابزار نوشتن ۲- شکسته (= قلم‌شده)	خویش	۱- خود ۲- خویشاوند
کنار	۱- آغوش ۲- ساحل ۳- جنب	شیرین	۱- نوعی مژه ۲- معشوق فرهاد و خسرو
گلستان	۱- نام کتابی از سعدی ۲- گلزار	عود	۱- چوب خوشبو ۲- نوعی ساز
گور	۱- قبر ۲- گورخر	عهد	۱- دوره ۲- پیمان
لاله	۱- نام گل ۲- نام نوعی چراغ	غریب	۱- عجیب ۲- بیگانه و ناآشنا
لب	۱- عضوی در صورت ۲- کنار، لبه	قابل	۱- قبول‌کننده ۲- لایق
ماه	۱- ماه آسمان ۲- سی روز	هوا	۱- جو ۲- میل و هوس ۳- عشق
مجنون	۱- دیوانه ۲- عاشق مشهور	هزار	۱- عدد ۱۰۰۰ ۲- بلبل

حالا که با برخی از واژه‌های مهم ایهام‌دار آشنا شدید، به ابیات زیر دقت کنید و ببینید آیا کلمات مشخص شده ایهام دارند یا خیر؟

- ❶ ز گریه مردم چشمم نشسته در خون است بین که در طلبت حال مردمان چون است *ما فط*
- ❷ به راستی که نه هم‌بازی تو بودم من تو شوخ‌دیده مگس بین که می‌کند بازی *سعدی*
- ❸ روزگاری شد و کس مرد ره عشق ندید حالیا چشم جهانی نگران من و توست *هوشنگ ابتهاج*

در بیت اول «مردم» از واژه‌های ایهام‌دار است. دو معنی آن عبارت است از: مردمک چشم و انسان‌ها. در مصراع اول «مردم» فقط به معنی مردمک چشم است، پس «ایهام» ندارد؛ اما در مصراع دوم به هر دو معنی «انسان» و «مردمک چشم» قابل قبول است. در بیت دوم، «بازی» در مصراع دوم به دو معنی «شوخی کردن» و «باز (پرنده شکاری) بودن» به کار رفته است و ایهام دارد؛ اما در مصراع اول فاقد ایهام است.

در بیت سوم، واژه «نگران» ایهام دارد، زیرا دارای دو معنی متفاوت است و هر دو هم در شعر قابل قبول هستند: **۱** چشم جهانی من و تو را نگاه می‌کند. **۲** چشم جهانی دلواپس من و تو است.

آرایه ایهام شعر را بسیار زیبا و خیال‌انگیز می‌کند و شاعران بزرگ از آن برای زیباتر کردن شعرشان استفاده فراوان برده‌اند. معمولاً پیدا کردن ایهام کار آسانی نیست و به تمرین بسیار نیاز دارد؛ پس اگر در ابتدای کار نتوانستید ایهام‌ها را به خوبی تشخیص دهید، نگران نشوید و به یادگیری واژه‌های ایهام‌دار ادامه دهید.

ایهام تناسب هرگاه واژه ایهام‌ساز در بیتی به کار رود، اما فقط با یک معنی، قابل جای‌گذاری باشد و معنای غیر قابل قبول آن با یک یا چند واژه مراعات نظیر بسازد، ایهام تناسب پدید می‌آید. مثال زیر را ببینید:
سعدی در دیباجه «گلستان» می‌گوید:

«گل همین پنج روز و شش باشد وین گلستان همیشه خوش باشد»

«گلستان» یک معنی مشهور دارد که باغ و گلزار است؛ ولی وقتی در کلام سعدی بیاید، معنای کتاب گلستان را هم به ذهن می‌آورد. حالا باید ببینیم که آیا با هر دو معنا، قابل قبول است یا نه. سعدی می‌گوید: «گل، مدت کمی عمر می‌کند و پس از آن پژمرده می‌شود؛ اما این گلستان همواره باصفا و باطراوت است.» بدیهی است که با توجه به معنای مصراع اول، «گلستان» در مصراع دوم، در معنای گلزار فهمیده نمی‌شود و فقط در معنای کتاب خود سعدی، یعنی گلستان پذیرفتنی است. تا این‌جا کار فهمیدیم که «گلستان» ایهام ندارد، چون با دو معنی، قابل جای‌گذاری در بیت نیست؛ اما با دقت بیشتر به کلمات بیت متوجه می‌شویم که در معنای غیر قابل قبولش، یعنی باغ و گلزار، با واژه «گل» تناسب دارد؛ در نتیجه می‌گوییم واژه «گلستان» در این بیت، «ایهام تناسب» دارد.

مثالی دیگر:

«مُدّام مست می‌دارد نسیم جعد گیسویت خرابم می‌کند هر دم فریب چشم جادویت»

واژه «مُدّام» دو معنا دارد: **۱** پیوسته **۲** شراب؛ این واژه در بیت بالا در معنای «پیوسته» قابل جای‌گذاری در بیت است؛ ولی در معنای دوم خود، یعنی شراب با مست و خراب تناسب یا مراعات نظیر می‌سازد. نتیجه می‌گیریم که واژه «مُدّام» در این بیت، «ایهام تناسب» دارد.

کارگاه متن‌پژوهی

قلمرو زبانی

۱ جدول مقابل را به کمک متن درس کامل کنید.

پاسخ: دارای نشان پیامبری: وسیم / شادی‌بخش: مُفَرِّح / به خدای تعالی بازگشتن: انابت / قطع کردن مقرّری: وظیفه‌بریدن

واژه معادل	معنا
.....	دارای نشان پیامبری
.....	شادی‌بخش
.....	به خدای تعالی بازگشتن
.....	قطع کردن مقرّری

۲ سه واژه در متن درس بیابید که هم‌آوای آنها در زبان فارسی وجود دارد.

پاسخ: قربت: نزدیکی ← غربت: دوری / حیات: زندگی ← حیاط: زمین جلو ساختمان / خوان: سفره ← خان: رئیس، سرور / بحر: دریا ← بهر: برای منسوب: نسبت داده شده ← منصوب: به شغل و مقامی گماشته شده

۳ از متن درس برای کاربرد هر یک از حروف زیر، سه واژه مهمّ املائی بیابید و بنویسید.

ح (..... - -) ق (..... - -) ع (..... - -)

پاسخ: ح: فاحش، تحیر، موج بحر / ق: قربت و نزدیکی، قبا، باسق، قسیم / ع: عزّ و جلّ، عصاره، اعراض، تزع

۴ در عبارت زیر، نقش دستوری ضمائر متصل را مشخص کنید.

بوی گلم چنان مست کرد که دامنم از دست برفت.

پاسخ: ضمیر «م» در «گلم» مفعول است. (بوی گل چنان من را مست کرد.) / ضمیر «م» در «دامنم» مضاف‌الیه «دست» است. (دامن از دستم برفت.)

۵ در متن درس، نمونه‌ای برای کاربرد هر یک از انواع حذف (لفظی و معنایی) بیابید.

پاسخ: «طاعتش موجب قربت است و به شکر اندرش مزید نعمت»:

فعل «است» بعد از «نعمت» به قرینه لفظی حذف شده است (مزید نعمت [است]).

«بنده همان به که ز تقصیر خویش عذر به درگاه خدای آورد»:

فعل «است» بعد از «به» به قرینه معنایی حذف شده است (همان به [است]).

قلمرو ادبی

۱ واژه‌های مشخص شده، نماد چه مفاهیمی هستند؟

ای مرغ سحر! عشق ز پروانه بیاموز کان سوخته را جان شد و آواز نیامد

پاسخ: «مرغ سحر»: نماد مدعیان دروغین راه عشق / «پروانه»: نماد عاشقان راستین

۲ با توجه به عبارت‌های زیر به پرسش‌ها پاسخ دهید.

◀ باران رحمت بی حسابش همه را رسیده و خوان نعمت بی دریغش همه‌جا کشیده.

◀ فزاش باد صبا را گفته تا فرش زمردین بگسترده و دایه ابر بهاری را فرموده تا بنات نبات در مهد زمین بیرورد.

الف آرایه‌های مشترک دو عبارت را بنویسید.

ب قسمت مشخص شده بیانگر کدام آرایه ادبی است؟

پاسخ: الف) «تشبیه»: «باران رحمت»، «خوان نعمت»، «فزاش باد صبا»، «دایه ابر بهاری»، «بنات نبات» و «مهد زمین» / «سجع»: «رسیده و کشیده»

و «بگسترده و بیرورد» / ب) «فرش زمردین»: استعاره از «سبزه‌ها»

قلمرو فکری

۱ معنی و مفهوم عبارت‌های زیر را به نثر روان بنویسید.

◀ عاکفان کعبه جلالش به تقصیر عبادت معترف که: «ما عبَدناک حقَّ عِبَادَتِک».

پاسخ: معنی گوشه‌نشینان بارگاه پرشکوهش به کوتاهی خود در عبادت اقرار می‌کنند و می‌گویند: «تو را چنان که شایسته است، پرستش نکردیم.»

مفهوم ناتوانی در پرستش شایسته خداوند

◀ یکی از صاحب‌دلان سر به جیب مراقبت فرو برده بود و در بحر مکاشفت مستغرق شده.

پاسخ: معنی یکی از عارفان به حالت تفکر عارفانه و مراقبه فرو رفته بود و در دریای کشف اسرار الهی غرق شده بود.

مفهوم پاک کردن قلب از غیر خدا برای درک اسرار الهی

۲ مفهوم کلی مصراع‌های مشخص شده را بنویسید.

◀ ابر و باد و مه و خورشید و فلک در کارند تا تو نانی به کف آری و به غفلت نخوری

پاسخ: بهره‌مندی از نعمت و غافل‌نشدن از پروردگار رزاق

◀ چه غم دیوار امت را که دارد چون تو پشتیبان؟

چه باک از موج بحر آن را که باشد نوح کشتیبان؟

پاسخ: تکیه کردن بر حمایت پیامبر اکرم (ص)

◀ گر کسی وصف او ز من پرسد بی‌دل از بی‌نشان چه گوید باز؟

پاسخ: ناتوانی از وصف خداوند / سکوت عارفانه

۳ از کدام سطر درس، مفهوم بیت زیر قابل استنباط است؟

«هیچ نقاشت نمی‌بیند که نقشی برکشد

وان که دید، از حیرتش کلک از بنان افکنده‌ای» سعری

پاسخ: واصفان جلیه جمالش به تحیر منسوب که: «ما عرفناک حقَّ معرفتیک»

این حکایت از کتاب «کلیله و دمنه» ترجمه «نصرالله منشی» است.

نقطه: مرغابی / فرو گذاشتن: رها کردن، دست کشیدن

گویند که بَطّی در آب، روشنائی ستاره می‌دید. پنداشت که ماهی است؛ قصدی می‌کرد تا بگیرد و هیچ نمی‌یافت. چون بارها بیازمود و حاصلی ندید، فرو گذاشت.

معنی می‌گویند که مرغابی‌ای در آب، نور ستاره‌ای را می‌دید. تصوّر کرد که ماهی است. تلاش می‌کرد آن را بگیرد اما چیزی به دست نمی‌آورد. وقتی که چندین بار تلاش کرد و نتیجه‌ای ندید، آن را رها کرد. «دستور» گویند» در معنی «می‌گویند» آمده و مضارع اخباری است.

سؤال: در عبارت روبه‌رو معادل فعل «فرو گذاشت» چیست؟

پاسخ: رها کرد، دست کشید

قصید پیوستن، تلاش کردن / ثمرت: نتیجه

دیگر روز هرگاه که ماهی بدیدی، گمان بردی که همان روشنائی است؛ قصدی نپیوستی و ثمرت این تجربت آن بود که همه روز گرسنه بماند.

معنی روز دیگر هر وقت که ماهی می‌دید، تصوّر می‌کرد که همان انعکاس نور است؛ تلاشی نمی‌کرد و نتیجه این تجربه آن بود که هر روز گرسنه بماند. دستور «دیگر»: صفت مبهم / «بدیدی»، «بردی» و «نپیوستی» در معنی «می‌دید»، «نمی‌برد» و «نمی‌پیوست» و ماضی استمراری هستند. / «همه»: صفت مبهم / «بماند»: ماضی ساده مفهوم کلی حکایت: توصیه به دوری کردن از تعمیم‌دادن یا مقایسه نابجا

آزمون درس یکم (پاسخ در صفحه ۲۷۲)

قلمرو زبانی

واژه

معنی واژه‌های مشخص شده را بنویسید.

۲۸- به شکر اندرش مزید نعمت.

۲۹- در بحر مکاشفت مُستغرق شده.

۳۰- بار دیگرش به تضرّع و زاری بخواند.

۳۱- هر نفسی که فرومی‌رود، مُمدّ حیات است.

۳۲- تخم خرمایی به تربیتش نخل باسق گشته.

۳۳- عصارهٔ تاکی به قدرت او شهید فایق شده.

۳۴- وظیفهٔ روزی به خطای منکر نبرد.

۳۵- معادل درست توضیح زیر را از داخل کمانک انتخاب کنید.

«کسی که دیگری فرمان او را می‌برد: (مطاع / مطیع)»

با توجه به واژگان زیر، معادل معنایی هر مورد را مقابل آن بنویسید.

«معاملت، انابت، وظیفه‌بریدن، وسیم، خلعت»

۳۶- دارای نشان پیامبری:

۳۷- اعمال عبادی:

۳۸- به خدای تعالی بازگشتن:

۳۹- جامه‌ای که بزرگی به کسی بخشد:

۴۰- قطع کردن مقرّری:

هم‌آوای واژگان زیر را به همراه معنی آنها بنویسید.

۴۱- قربت

۴۲- حیات

۴۳- خوان

۴۴- منسوب

املا

۴۵- در کدام‌یک از گزینه‌های زیر غلط املائی وجود دارد؟ درست آن را بنویسید.

(۱) عاکفان کعبهٔ جلالش به تقصیر عبادت معترف و واصفان حلیهٔ جمالش به تحیر منسوب.

(۲) سرور کاینات و مفخر موجودات و رحمت عالمیان و سفوت آدمیان و تتمهٔ دور زمان.

۴۶- در گروه کلمات زیر چند نادرستی املائی دیده می‌شود؟ تصحیح کنید.

«قربت و نزدیکی - مُمدّ حیات - مُفَرّح ذات - خوان نعمت - گناه فاحش - شهید فایق - نخل باسق - سفوت آدمیان - موج بحر - دست انابت -

اعراض کردن - تضرّع و زاری - آکفان کعبه - تقصیر عبادت - هلیهٔ جمال - به تحیر منسوب - بحر مکاشفت - مستغرق شدن - هدیه و تحفه»



۴۷- در کدام گزینه نادرستی املایی دیده می‌شود؟ تصحیح کنید.

- ۱) شَفِیعٌ مُتَاعٌ نَبِیِّ کریم
 ۲) این مدعیان در طلبش بی‌خبران‌اند
 کان را که خبر شد، خبری باز نیامد

(نهایی خارج از کشور فرورد ۱۴۰۱)

۴۸- املای صحیح را از داخل کمانک برگزینید.

«عصاره - عساره» تاکی به قدرت او شهد فایق شده.

دستور زبان

۴۹- نوع وابسته و وابسته را در بیت زیر بنویسید.

«ای مرغ سحر! عشق ز پروانه بیاموز
 ۵۰- در عبارت زیر نقش ضمیر مشخص شده را بنویسید.

«بوی گلم چنان مست کرد که دامنم از دست برفت.»

۵۱- در هر یک از موارد زیر، نوع حذف را مشخص کنید.

الف) طاعتش موجب قربت است و به شکر اندرش مزید نعمت.

(نهایی فرورد ۹۸ و خارج از کشور فرورد ۱۴۰۰)

ب) بنده همان بیه که ز تقصیر خویش عذر به درگاه خدای آورد

(نهایی خارج از کشور فرورد ۱۴۰۱)

۵۲- در عبارت «دایه ابر بهاری را فرموده تا بنات نبات در مهد زمین بیرورد»:

الف) «را» در این عبارت به چه معناست؟

ب) نقش دستوری واژه «دایه» چیست؟

(نهایی خارج از کشور فرورد ۱۴۰۰ - با اندکی تغییر)

۵۳- نوع «را» در بیت زیر چیست؟

«ای مرغ سحر! عشق ز پروانه بیاموز
 کان سوخته را جان شد و آواز نیامد»

(نهایی خارج از کشور فرورد ۱۴۰۱)

۵۴- نوع «و» را در عبارت «در هر نفسی دو نعمت موجود است و بر هر نعمتی شکر واجب» بنویسید.

قلمرو ادبی

۵۵- پدیدآورنده «گلستان» و «ترجمه کلیله و دمنه» به ترتیب چه کسانی هستند؟

۵۶- در بیت زیر کدام کلمات مفهوم نمادین دارند؟ مفهوم هر یک را بنویسید.

«ای مرغ سحر! عشق ز پروانه بیاموز
 کان سوخته را جان شد و آواز نیامد»

(نهایی شهریور ۹۸ و فرورد ۱۴۰۰ - با اندکی تغییر)

۵۷- در عبارت زیر «تشبیه، تشخیص، سجع و استعاره» را نشان دهید.

«فراش باد صبا را گفته تا فرش زمردین بگسترند و دایه ابر بهاری را فرموده تا بنات نبات در مهد زمین بیرورد.»

قلمرو فکری

درک مطلب

۵۸- مفهوم کلی بیت «کرم بین و لطف خداوندگار / گنه بنده کرده است و او شرمسار» چیست؟

(نهایی خارج از کشور فرورد ۱۴۰۱)

۵۹- مفهوم کلی مصراع مشخص شده را بنویسید.

(نهایی خارج از کشور فرورد ۱۴۰۰)

«گر کسی وصف او ز من پرسد
 بی‌دل از بی‌نشان چه گوید باز؟»

(نهایی خارج از کشور فرورد ۱۴۰۰)

۶۰- در عبارت «بوی گلم چنان مست کرد که دامنم از دست برفت» منظور از قسمت مشخص شده چیست؟

(نهایی خارج از کشور فرورد ۱۴۰۰)

۶۱- براساس عبارت «یکی از صاحب‌دلان سر به جیب مراقبت فرو برده و در بحر مکاشفت مستغرق شده، آن‌گه که از این معامله باز آمد، یکی از دوستان گفت ...» به سوالات پاسخ دهید:

(نهایی خارج از کشور فرورد ۱۴۰۰)

الف) منظور از «صاحب‌دلان» چه کسانی است؟

ب) «سر به جیب مراقبت فرو بردن» کنایه از چیست؟

مفهوم کلی هر یک از موارد زیر را در چند کلمه بنویسید.

۶۲- عاکفان کعبه جلالش به تقصیر عبادت معترف که: «ما عبیدناک حقَّ عبادتک»

۶۳- یکی از صاحب‌دلان سر به جیب مراقبت فرو برده بود و در بحر مکاشفت مستغرق شده؛

۶۴- ابر و باد و مه و خورشید و فلک در کارند
 تا تو نانی به کف آری و به غفلت نخوری

(نهایی دی ۹۷ و خارج از کشور فرورد ۱۴۰۰ - با اندکی تغییر)

۶۵- با توجه به بیت زیر به پرسش‌ها پاسخ دهید.

«چه غم دیوار امت را که دارد چون تو پشتیبان
 چه باک از موج بحر آن را که باشد نوح کشتیبان»

الف) منظور از «تو» چه کسی است؟

ب) مفهوم کلی بیت چیست؟

۶۶- در بیت «گر کسی وصف او ز من پرسد / بی‌دل از بی‌نشان چه گوید باز؟»، منظور از کلمات مشخص شده چیست؟

(نهایی فرداد ۹۸)

۶۷- مفهوم مشترک موارد زیر را بنویسید.

◀ هیچ نقّاشت نمی‌بیند که نقشی برکشد وان که دید، از حیرتش کلک از بنان افکنده‌ای

◀ واصفان حلیهٔ جمالش به تحیّر منسوب که «ما عَرَفْنَاكَ حَقَّ معرفتک»

۶۸- در عبارت «دیگر روز هرگاه که ماهی بدیدی، گمان بردی که همان روشنایی است؛ قصدی نپیوستی و ثمرت این تجرّبت آن بود که همه روز گرسنه

بماند» منظور از قسمت مشخص شده چیست؟

معنی و مفهوم

■ عبارات و اشعار زیر را به نثر روان معنی کنید.

(نهایی فرداد ۱۳۰۳)

۶۹- دست انابت به امید اجابت به درگاه حق بردارد.

(نهایی قاجار از کشور فرداد ۱۳۰۱)

۷۰- باران رحمت بی حسابش همه را رسیده.

(نهایی قاجار از کشور فرداد ۱۳۰۰)

۷۱- خوان نعمت بی دریغش همه جا کشیده.

۷۲- قصدی می‌کرد تا بگیرد و هیچ نمی‌یافت.

(نهایی شهرریور ۹۹)

۷۳- هر نفسی که فرومی‌رود، مُمدّ حیات است و چون برمی‌آید، مُفَرّح ذات.

(نهایی فرداد ۹۸)

۷۴- پردهٔ ناموس بندگان به گناه فاحش نَدرد و وظیفهٔ روزی به خطای مُنکر نبرد.

۷۵- مَتّ خدای را، عزّ و جَلّ که طاعتش موجب قربت است و به شکر اندرش مزید نعمت.

(نهایی شهرریور ۱۳۰۱)

۷۶- عصارهٔ تاکی به قدرت او شهید فایق شده و تخم خرمایی به تربیتش نخل باسق گشته.

(نهایی قاجار از کشور فرداد ۱۳۰۱)

۷۷- از دست و زبان که برآید / کز عهدهٔ شکرش به در آید

بیشتر تمرین کنید (پاسخ در صفحهٔ ۲۷۳)

قلمرو زبانی

۷۸- کدام گزینه معنای مناسبی برای واژهٔ مشخص شده نیست؟

«پس ای مرد پوینده بر راه راست تو را نیست مَنّت، خداوند راست»
 (۱) سپاس (۲) درستی (۳) شکر (۴) نیکویی

۷۹- معنای واژه‌های «قدم، مُمدّ، مُنکر» در کدام گزینه کاملاً صحیح است؟

(۱) قدم‌نهادن - یاری‌رساننده - ناپسند (۲) قدم‌ها - یاری‌رساننده - زشت
 (۳) قدم‌ها - ادامه‌دهنده - انکارکننده (۴) قدم‌نهادن - ادامه‌دهنده - انکارکننده

۸۰- در متن زیر چند نادرستی املائی دیده می‌شود؟ صورت درست هر یک را بنویسید.

«به صلاح حال و مآل تو آن لایق‌تر که به خطای خود اقرار کنی و به توبت و عنایت خود را از تبعیت آخرت مسلم گردانی. / اگر گویم اهمال ورزیدم به ضعف رأی و تردّد و تهیّر منسوب گردم و اگر به قصور قوّت اعتراف نمایم سمت عجز التزام باید نمود. / چندان که مَلِک این کلمه بشنود، نشاط بر وی غالب گشت و دلایل فره و ابتهاج در ناصیهٔ مبارک او ظاهر گشت.»

۸۱- در دو بیت زیر مجموعاً چند واژهٔ دارای «هم‌آوا» دیده می‌شود؟ واژهٔ هم‌آوا و معنای آن را بنویسید.

◀ دوش در بحر غمت غوطه‌زنان می‌گفتم چیست تدبیر من و واقعهٔ هایل من؟
 ▶ کشتهٔ تیغ ملامت به رضا نتوان شد حذر از ضربت شمشیر قضا نتوان کرد

۸۲- قسمت حذف‌شده و نوع حذف را در بیت زیر بیابید.

«به بوی عطر سر زلف او دلم خون شد

۸۳- نقش دستوری واژه‌های مشخص شده چیست؟

«زاهد از طاعت به راز عشق محرم کی شود؟

■ کاربرد «را» در هر یک از موارد زیر چیست؟

۸۴- یاد باد آن‌که سر کوی توام منزل بود دیده را روشنی از نور زُخت حاصل بود

۸۵- آب بریز آتش بیداد را زیرتر از خاک نشان باد را



۸۶- عبارت زیر چند تشبیه دارد؟

«برده ناموس بندگان به گناه فاحش ندرد و وظیفه روزی به خطای منکر نبرد.»

۸۷- در عبارت زیر، واژه‌های مشخص شده «سجع» دارند یا «جناس»؟ دلیل بیاورید.

«هرگه یکی از بندگان گنهکار پریشان‌روزگار، دست انابت به امید اجابت به درگاه حق جلّ و علا بردارد، ایزد تعالی در او نظر نکند.»

۸۸- «ایهام تناسب» را در بیت زیر نشان دهید.

گل صد برگ را دگر در دام همچو بلبل هزار می‌افتد»

۸۹- آرایه‌های «حسن تعلیل، تشبیه، استعاره و تشخیص» را در بیت زیر مشخص کنید.

«گر نه شوریده است و سودایی، چرا می‌افکند همچو نیلوفر سپر بر آب، شاخ سنبلش؟»

قلمرو فکری

در هر یک از بیت‌های زیر، ضمیر مشخص شده به چه کسی اشاره دارد؟

۹۰- ابر و باد و مه و خورشید و فلک در کارند تا تو نانی به کف آری و به غفلت نخوری

۹۱- همه از بهر تو سرگشته و فرمان‌بردار شرط انصاف نباشد که تو فرمان نبری

۹۲- چه غم دیوار ائت را که دارد چون تو پشتیبان چه باک از موج بحر آن را که باشد نوح کشتیبان

۹۳- بیت «این مدعیان در طلبش بی‌خبران‌اند/ کان را که خبر شد خبری باز نیامد» با کدام بیت متناسب است؟

(۱) پوشیدن آشکار کند عیب جامه را خواهی ز خلق، عیب تو پنهان شود میوش

(۲) ساقی بهار می‌رسد و وجه می‌نماند فکری بکن که خون دل آمد ز غم به جوش

(۳) چون چشمه‌سار دامن الوند در بهار مخلص ز وصل لاله‌عذاران زدیم جوش

(۴) از نارسیدگی است که صوفی کند خروش سیلاب چون به بحر رسد می‌شود خموش

۹۴- مفهوم بیت «در مجالی که کشد موبک اوصاف تو صف / وهم را وسعت آن کو که کند میدانی» با کدام عبارت مشترک است؟

(۱) ما عبدناک حقّ عبادتک (۲) ما عرفناک حقّ معرفتک (۳) و قلیل من عبادی الشکور (۴) کشف الدّجی بجماله

پاسخ نامہ تشریحی



درس ستایش: ملکا ذکر تو گویند

۱. شبه: مانند، مثل، همسان
۲. سرور: شادی، خوشحالی
۳. روی: مجازاً امکان، چاره
۴. ثنا: ستایش، سپاس
۵. پوییدن: حرکت به سوی مقصد برای به دست آوردن و جست‌وجوی چیزی، تلاش، رفتن
۶. «قالب قصیده» و «ثنا و ستایش» املائی صحیح‌اند.
۷. «همه» در مصراع «الف» به معنای «تنها» فقط آمده و قید است، اما در مصراع «ب» به معنای «هر» آمده و صفت اشاره است.
۸. ذکر تو: ترکیب اضافی / همان ره: ترکیب وصفی (ترکیب اضافی، یعنی مضاف و مضاف‌الیه و ترکیب وصفی، یعنی صفت و موصوف)
۹. عبارت «تو راه‌نمایی» ایهام دارد: (۱) تو راه را به من نمایی. (۲) تو راهنمای من هستی.
۱۰. «بیش و کم» و «یکاه و فزایی»: تضاد / «غیب و عیب»: جناس ناهمسان
۱۱. لب و دندان: مجاز از کَل وجود یا زبان و مراعات‌نظیر / آتش و دوزخ: مراعات‌نظیر
۱۲. تا از آتش دوزخ نجات یابد.
۱۳. الف خداوند ب زیرا خداوند در فهم بشر جای نمی‌گیرد.
۱۴. تمام وجودت علم و یقین است.
۱۵. نمی‌توان تو را توصیف کرد، چون تو در فهم نمی‌گنجی.
۱۶. تمام وجود سنایی فقط از یگانگی تو سخن می‌گوید؛ شاید برای او امکان‌هایی از آتش دوزخ وجود داشته باشد.

بیشتر تمرین کنید درس ستایش

۱۷. لایق
۱۸. واژه‌های «ثواب»، «ثنا» و «حرص» به این صورت صحیح‌اند. (ثواب: پاداش / صواب: مصلحت / ثنا: ستایش / سنا: نور، بلندی / حرص: طمع و آز / فرس: طمع هارس؛ نگهبانان / مروت: جوانمردی / سفاهت: بی‌فردی / غنّیب: فشم / الفاح: اصرار، پافشاری)
۱۹. «همه» در این گزینه «صفت مبهم» است، اما در سایر گزینه‌ها «قید» است.
۲۰. پنج جمله: (۱) آمدی (۲) وه (شبه‌جمله که برای شگفتی و تمسین به کار می‌رود). (۳) چه مشتاق و پربشان بودم (۴) تا برفتی ز بزم (۵) صورت بی‌جان بودم
۲۱. «آن گروه» و «آن بردباری» (دقت کنید: «همه» ضمیر مبهم و نهاد جمله است. صفت باید همراه اسم باشد، در حالی که ضمیر پانشین آن می‌شود).
۲۲. (معنی صورت سوال این است که کدام پدیدآورنده «شاعر» است و اثری منظوم دارد، و شما در «ستایش» کتاب، بخشی از قصیده‌ای از حکیم سنایی غزنوی را خوانده‌اید. در سایر گزینه‌ها: فواجه نظام‌الملک توسی صاحب کتاب سیاست‌نامه به نثر است. عنصرالمعالی کیکاووس صاحب کتاب قابوس‌نامه به نثر است. نصرالله منشی کتاب کلیله و دمنه را به فارسی ترجمه کرده است. هیچ‌یک از این پدیدآورندگان، شهرت شاعری ندارند).
۲۳. چاره - صورت - ایهام تناسب
۲۴. الف علت سرخ‌بودن لب‌های معشوق این است که خون دل عاشقان را خورده است: حسن تعلیل
- ب «دور از تو» ایهام دارد: (۱) در حالی که از تو دور هستم، (۲) دور از جان تو! (در معنی اول، یعنی روزی که از تو دور هستم مرگ به سراغم بیاید و در معنی دوم یعنی روزی که دور از جان تو! مرگ به سراغم من بیاید).
۲۵. (در بیت سؤال مفاهیم «ستایش خداوند و حرکت در راه او و راهنما بودن خداوند» دیده می‌شود. در بیت «الف» مفهوم «حرکت در راه خدا» و در بیت «ب» مفهوم «راهنما بودن خدا» وجود دارد. مفهوم سایر بیت‌ها: ب) ناتوانی در شکرگزاری خداوند (ت) ناتوانی از توصیف معشوق)

۲۶. ۱ (معنای آیه، «هر که را بفواهی عزّت می‌بخشی و هر که را بفواهی فوار می‌گردانی». این مفهوم در گزینه (۱) دیده می‌شود. در گزینه (۲) شاعر می‌گوید: «اگر کنی را در بند دیدی، به روزگار او نغذ، شاید روزی فودت نیز به بند بیتی.»)
۲۷. درک کامل ذات و صفات خداوند ممکن نیست. (معنی بیت: وهم مانند مرغی است که نمی‌تواند تا اوج ذات خداوند پرواز کند و فهم و اندیشه نیز به وصف او دسترسی ندارد.)

درس یکم: شکر نعمت

۲۸. مزید: افزونی، زیادی
۲۹. مکاشفت: کشف کردن و آشکار ساختن؛ در اصطلاح عرفانی، پی‌بردن به حقایق است.
۳۰. تضرّع: زاری کردن، التماس کردن
۳۱. مُجَمَد: مددکننده، یاری‌رساننده
۳۲. باسق: بلند، بالیده
۳۳. تاک: درخت انگور، زز
۳۴. منکر: زشت، ناپسند
۳۵. مُطاع
۳۶. وَسیم
۳۷. معاملت
۳۸. اِنابت
۳۹. خلعت
۴۰. وظیفه‌بریدن
۴۱. «غربت»: دوری
۴۲. «حیاط»: زمین جلو ساختمان که دور آن دیوار است.
۴۳. «خان»: رئیس، سرور
۴۴. «منسوب»: به شغل و مقامی گماشته شده
۴۵. ۲ واژه «سفوت» نادرست و شکل صحیح آن «صفوت» است.
۴۶. گروه کلمات «سفوت آدمیان»، «آکفان کعبه»، «هلیه جمال» و «به تحیر منصوب» نادرست و شکل صحیح آنها «صفوت آدمیان»، «عاکفان کعبه»، «حلیه جمال» و «به تحیر منسوب» است.
۴۷. ۱ واژه «مُتاع» نادرست و شکل صحیح آن «مُطاع» است.
۴۸. «عصاره» صحیح است.
۴۹. صفت مضاف‌الیه (انواع وابسته وابسته را در درس‌های هشتم و نهم می‌آموزید).
۵۰. ضمیر «م» در «گلم» مفعول است (بوی گل چنان من را مست کرد).
۵۱. الف فعل «است» بعد از «نعمت» به قرینه لفظی حذف شده است (مزید نعمت است).
- ب فعل «است» بعد از «به» به قرینه معنایی حذف شده است (همان به است).
۵۲. الف «را» حرف اضافه به معنی «به» (به دایه ابر بهاری فرموده)
- ب متمم
۵۳. فک اضافه (کان سوخته را یان = که یان آن سوخته)
۵۴. ربط یا پیوند (واو عطف بین دو واژه می‌آید. / واو ربط یا پیوند بین دو جمله می‌آید).
۵۵. «گلستان» اثر سعدی و «ترجمه کلیله و دمنه» اثر نصرالله منشی است.
۵۶. «مرغ سحر»: نماد مدّعیان دروغین راه عشق؛ «پروانه»: نماد عاشقان راستین
۵۷. «فزاش باد صبا»، «دایه ابر بهاری»، «بنات نبات» و «مهد زمین»: تشبیه / «گفتن به باد صبا» و «فرمودن به ابر بهاری»: تشخیص / «بگسترده» و «بپرورد»:
- سجع / «فرش زمردین»: استعاره از سبزه‌ها
۵۸. بزرگواری و لطف پروردگار
۵۹. ناتوانی در وصف خداوند
۶۰. اختیار خود را از دست دادم و از خود بی‌خود شدم.
۶۱. الف عارفان ب گوشه‌گیری عارفانه
۶۲. ناتوانی در عبادت شایسته خداوند
۶۳. پاک کردن قلب از غیر خدا برای درک اسرار الهی

آب: استعاره از صورت معشوق/ سنبل: استعاره از موی معشوق/ شوریدگی و سودایی زلف و سپر بر آب افکندن نیلوفر و زلف معشوق: تشخیص

۹۰. انسان

۹۲. پیامبر اکرم (ص)

۹۳. ۴ مفهوم مشترک: رازپوشی عارفانه (مفهوم ۳ سایر گزینه‌ها، گزینه ۱)؛

پلوه کردن باعث آشکار شدن عیب‌هاست. گزینه ۲؛ هستن راهی برای راهی از غم

گزینه ۳؛ لذت وصل / پوش زدن؛ شاداب شدن / و به هی، هزینه شراب)

۹۴. ۲ مفهوم مشترک: ناتوانی انسان در توصیف خداوند (مفهوم ۳ سایر

گزینه‌ها، گزینه ۱)؛ ناتوانی انسان در پرستش خداوند، گزینه ۳)؛ کم بودن تعداد بندگن

شکرگزار، گزینه ۴)؛ پیامبر با پوره نورانی اش، تاریکی‌ها، اکتار زد)

درس دوم: مست و هشیار

۹۵. محتسب: مأمور حکومتی شهر که کار او نظارت بر اجرای احکام دین و

رسیدگی بر اجرای احکام شرعی بود.

۹۶. والی: حاکم، فرمانروا

۹۷. خانه ختمار: میخانه، میکده

۹۸. حد: کیفر و مجازات شرعی برای گناهکار و مجرم

۹۹. ادیب: آداب‌دان، ادب‌شناس، سخن‌دان، معلم و مرتبی

۱۰۰. «غازی» نادرست و شکل صحیح آن «قاضی» است.

۱۰۱. «از بحر» نادرست و شکل صحیح آن «از بهر» است.

۱۰۲. «ثواب» نادرست و شکل صحیح آن «صواب» است.

۱۰۳. «بهر» نادرست و شکل صحیح آن «بهر» است.

۱۰۴. کلمات «معمور»، «آر» و «منظر نذر» نادرست و شکل صحیح آن‌ها

«مأمور»، «عار» و «منظر نظر» است.

۱۰۵. «غرامت» صحیح است.

۱۰۶. «محتسب»: نهاد/ «پیراهن»: مسند

۱۰۷. «افتان و خیزان»: قید/ «ره»: نهاد

۱۰۸. «مردم»: نهاد/ «هشیاری»: مفعول

۱۰۹. «شویم» در معنی «برویم» آمده و فعل غیراسنادی است.

۱۱۰. «می‌شویم» در معنی «می‌گردیم» فعل اسنادی و «سبز» مسند آن است.

۱۱۱. «نیست» در معنی «حضور ندارد» یا «حاضر نیست» آمده است و فعل

غیراسنادی است.

۱۱۲. «نیست» در مصراع اول فعل اسنادی و «آگاه» مسند آن است، اما در مصراع

دوم به معنی «وجود ندارد» آمده و غیراسنادی است.

۱۱۳. نشانه مفعول

۱۱۴. «و» در مصراع اول: نشانه ربط یا پیوند/ «و» در مصراع دوم: حرف عطف

۱۱۵. الف قید یا متمم قیدی (ابه آن جا)

ب سرای والی («را» در مصراع اول «فک اضافه» است: والی را سرای = سرای والی)

و خانه ختمار

۱۱۶. کنایه (از سر درافتادن کلاه: کنایه از بی‌شخصیت و بی‌آبرو شدن/

بی‌کلاهی: کنایه از نداشتن مقام)

۱۱۷. این شعر در قالب «قطعه» سروده شده است؛ زیرا فقط مصراع‌های زوج

قافیه دارند (افسار، هموار، بیدار).

۱۱۸. تکرار صامت‌های «د» و «ر»: واج‌آرایی

۱۱۹. «جامه»، «پوسیده»، «پود» و «تار»: مراعات‌نظیر

۱۲۰. «کم» و «بسیار»: تضاد

۱۲۱. «بیدار» ایهام دار: ۱) متضاد خواب ۲) هوشیار و سر عقل

۱۲۲. مناظره

۶۴. غافل نشدن از پروردگار رزاق

۶۵. الف پیامبر اسلام (ص) ب تکیه کردن بر حمایت پیامبر اکرم (ص)

۶۶. «او»: خداوند/ «بی‌دل»: عاشق

۶۷. ناتوانی در شناخت خداوند

۶۸. تلاشی نمی‌کرد.

۶۹. دست خود را به نشانه توبه و با امید پذیرش توبه‌اش به سمت خداوند بردارد.

۷۰. رحمت بی‌کران الهی مانند باران به همه رسیده است.

۷۱. سفره نعمت بی‌مضایقه و سخاوتمندانه‌اش در همه جا گسترده است.

۷۲. تلاش می‌کرد آن را بگیرد، اما چیزی به دست نمی‌آورد.

۷۳. هر نفسی که فرو برده می‌شود، یاریگر زندگی است و هنگامی که بیرون

می‌آید، شادی‌بخش وجود است.

۷۴. آبروی بندگان را با وجود گناه آشکار نمی‌ریزد و روزی معین آنان را به

خاطر انجام اشتباه زشت قطع نمی‌کند.

۷۵. سپاس و ستایش مخصوص خداوند گرامی و بزرگ است که اطاعتش

سبب نزدیکی به او می‌شود و شکرگزاری از او باعث افزایش نعمت می‌گردد.

۷۶. شیره درخت انگور به قدرت الهی، به عسل خالص (انگور) تبدیل شده و

در اثر توجه و پرورش او، دانه خرمایی به درختی بلند و استوار تبدیل شده است.

۷۷. از کردار و گفتار چه کسی ساخته است که شکر نعمت‌های او را به جای آورد؟

بیشتر تمرین کنید درس یکم

۷۸. ۲ درستی (مَدّت، سپاس، شکر، نیکویی)

۷۹. ۱ (قدم، قدم‌نهان / مُمّعه، یاری‌رساننده / مُکّره، ناپسند، زشت)

۸۰. سه نادرستی املائی دیده می‌شود: «انابت، تحیر و فرح» به این صورت

صحیح‌اند. (دیگر کلمات مهم متن و معنای آنها: مال، عاقبت، فریام و نتیجه / اقرار،

اعتراف / تبعیت، نتیجه ناگوار / مسلم، مفوظ، درامان / اهمال، سستی / تردّد، دودلی،

تردید / منسوب، نسبت داده شده / قهقرو، کوتاهی / سمت، نشان، علامت / غالب،

پیره / ابتهاج، شاره‌مانی / ناصیه، پیشانی)

۸۱. مجموعاً چهار واژه دارای هم‌آوا وجود دارد: بحر: دریا (بهر: برای) / هایل:

ترسناک (حایل: مانع) / حذر: پرهیز (حضر: اقامت و حضور، مقابل سفر) / قضا:

سرنوشت (غذا: خوراک؛ غزا: جنگ)

۸۲. فعل «داری» به قرینه معنایی حذف شده است: از آن نافه ختن چه خبر

[داری]؟ (نافه: ماده‌ای فوشو / فتن، نام سرزمینی که نافه آن شهرت داشته.)

۸۳. محرم: مسند / ملک: مسند / ابلیس: نهاد / کی: قید (برای یافتن نقش‌ها) بهتر

است ابتدا جمله را مرتب کنید)

کی زاهد از [راه] طاعت، محرم به راز عشق می‌شود؟

قید نهاد مسند

من گرفتم که ابلیس، ملک شد، کی آدم می‌شود؟

نهاد مسند قید مسند

۸۴. فک اضافه (دیده را، روشنی = روشنی دیده)

۸۵. «را» در مصراع اول: حرف اضافه به معنی «بر» (بر آتش بیدار، آب بریز) /

«را» در مصراع دوم: نشانه مفعول (باد را پایین تر از خاک بنشان).

۸۶. یک (پرده ناموس)

۸۷. جناس ناهمسان، زیرا سجع در پایان جمله‌ها می‌آید و نمی‌تواند سجع باشد.

۸۸. «هزار» به معنای «عدد ۱۰۰۰» است، اما در معنای «بلبل» با «گل و

بلبل» ایهام تناسب پدید آورده است.

۸۹. معنای بیت: سنبل او (استعاره از زلف معشوق) مانند گل نیلوفر بر

صورت همچون آب زلالش افتاده است، زیرا زلف او هم عاشق و شوریده

است. / علت پریشانی زلف معشوق، شوریدگی و عاشقی آن است: حسن تعلیل /

افتادن زلف معشوق بر صورتش مانند سپرانداختن گل نیلوفر در آب: تشبیه /

آزمون های نوبت اول دوم و



ردیف	نمونه امتحان نیمسال اول	کلیه رشته‌ها	فارسی ۳
	امتحان شماره ۱	مدت امتحان: ۹۰ دقیقه	Kheilisabz.com
	نمره		
بخش اول: قلمرو زبانی (۷ نمره)			
۱	با توجه به عبارات و اشعار زیر، معنای واژگان مشخص شده را بنویسید. ۱ در <u>نفیرم</u> مرد و زن نالیده‌اند. ۲ عشق به همه جایی <u>مأوا</u> نکند. ۳ هنوز طاق <u>ضربی</u> دروازه‌های آن باقی است. ۴ پرده <u>ناموس</u> بندگان به گناه <u>فاحش</u> ندرد.		
۵	در گروه کلمات زیر <u>نادرستی</u> (های) املائی را بیابید و تصحیح کنید. «بهر وطن - مسلک و روش - باد سحر - طُرف چمن - اجانب و بیگانگان - بیت‌الحزن - قرقه به خون - اهریمن و شیطان - روضه رضوان - چاه زرخدان»		
۶	در کدام گزینه یک یا تعدادی از واژه‌ها <u>نادرستی</u> املائی دارد؟ تصحیح کنید. (۱) قاش زین - دل از عزا درآوردن - اتاقت محصور - حیاط خانه - ترقی و انتصاب (۲) پر زرق و برق - رفتگر شهرداری - حد و حصر - غصه خوردن - بساط تهویه (۳) ذرت بلالی‌ها - مباحث - عظمت و رفتن - ایل و عشیره - چشمه ضلال - ایل و تبار (۴) مواهب خداداد - بطالت - حقوق قضایی - عدلیه - آب جیحون		
۷	املائی درست را از داخل کمانک انتخاب کنید. الف) آن همه زیبایی‌ها و لذت‌ها و (نشئه - نشعه) های سرشار ب) زین بی‌خردان (صقله - سفله) بستان داد دل مردم خردمند		
۸	نقش دستوری کلمات مشخص شده را در مقابل آنها بنویسید. الف) <u>دسته گلی</u> تازه در کنار بنایی یادبود نهاده بودند. ب) <u>نقاش و طراح</u> ، همان توصیفات و یکتور هوگو را نقاشی کرده‌اند.		
۹	در هر یک از موارد زیر بخش حذف شده و نوع حذف را مشخص کنید. الف) طاعتش موجب قربت است و به شکر اندرش مزید نعمت. ب) بنده همان به که ز تقصیر خویش عذر به درگاه خدای آورد		
۱۰	در بیت‌های زیر «وابسته وابسته» را بیابید و نوع آن را مشخص کنید. الف) سینه خواهم شرحه شرحه از فراق تا بگویم شرح درد اشتیاق ب) هر کسی کاو دور ماند از اصل خویش بازجوید روزگار وصل خویش		
۱۱	در بیت زیر، مصراع اول را مطابق زبان معیار مرتب کنید. خانه‌ای کاو شود از دست اجانب آباد ز اشک ویران گنش آن خانه که بیت‌الحزن است		
۱۲	هم‌آوای واژگان زیر را به همراه معنی آنها بنویسید. الف) قربت (ب) حیات (پ) خوان (ت) منسوب		
بخش دوم: قلمرو ادبی (۵ نمره)			
۱۳	آرایه مقابل هر بیت را در آن نشان دهید. الف) گفت: «دیناری بده پنهان و خود را وارهان» ب) گفت: «از بهر غرامت، جامه‌ات بیرون گنم» گفت: «کارِ شرع، کارِ درهم و دینار نیست» (واج آرایی) گفت: «پوسیده است جز نقشی ز بود و تار نیست» (مراعات نظیر)		
۱۴	آرایه تلمیح را در بیت زیر به اختصار توضیح دهید. آن کسی را که در این مُلک، سلیمان کردیم مَلت امروز یقین کرد که او اهرمن است		

نمونه امتحان نیمسال اول		کلیه رشته‌ها	فارسی ۳
ردیف	امتحان شماره ۱	مدت امتحان: ۹۰ دقیقه	Kheilisabz.com
۱۵	آرایه‌های ادبی «اسلوب معادله و تشخیص» را در موارد زیر نشان دهید. الف) صد تیغ جفا بر سر و تن دید یکی چوب ب) مستمع، صاحب‌سخن را بر سر کار آورد غنچه خاموش، بلبل را به گفتار آورد		۱
۱۶	در بیت «در عالم پیر، هر کجا برنایی است / عاشق بادا که عشق خوش سودایی است» الف) یک آرایه در مصراع اول مشخص کنید. ب) کدام واژه در مصراع دوم، ایهام دارد؟		۰/۵
۱۷	در بیت زیر کدام کلمات مفهوم نمادین دارند؟ مفهوم هر یک را بنویسید. ای مرغ سحر! عشق ز پروانه بیاموز کان سوخته را جان شد و آواز نیامد		۰/۵
۱۸	«دماوندیه» سروده کیست و در چه قالبی است؟		۰/۵
۱۹	در بین آثار زیر، نام پدیدآورنده و اثر در برابر آن درست نوشته شده است؛ آن دو را مشخص کنید. (کلبه و دمنه: نصرالله منشی) - (روایت سنگسازان ۲: رضا امیرخانی) - (قصه شیرین فرهاد: نظامی) - (مثنوی معنوی: عطار نیشابوری) - (فیه ما فیه: مولوی) - (فی حقیقه‌العشق: عین‌القضات همدانی) - (تمهیدات: شهاب‌الدین سهروردی)		۰/۵
۲۰	اشعار زیر را کامل کنید. دست از مس وجود چو مردان ره بشوی	۰/۵
۲۱	آیینۀ نگاهت پیوند صبح و ساحل	۰/۵
بخش سوم: قلمرو فکری (۸ نمره)			
۲۲	هر یک از سروده‌ها و نوشته‌های زیر را به نثر روان معنی کنید. الف) شهید ساجدی، روحیه خود را نباخته بود. ب) گمان بردی که همان روشنایی است. پ) هنگام چریغ آفتاب کنار فئات حسنی در شهر سیرجان آتراق می‌کردیم. ت) گرم تماشا و غرق این دریای سبز معلقی که بر آن، مرغان الماس‌پر، ستارگان زیبا و خاموش، تک‌تک از غیب سر می‌زنند. ث) هر کسی از ظن خود شد یار من ج) همت از باد سحر می‌طلبم گر ببرد چ) بنده همان به که ز تقصیر خویش		۰/۲۵ ۰/۲۵ ۰/۵ ۱ ۰/۷۵ ۰/۷۵ ۰/۵
۲۳	براساس عبارت «یکی از صاحب‌دلان سر به جیب مراقبت فرو برده و در بحر مکاشفت مستغرق شده، آنکه که از این معاملت باز آمد، یکی از دوستان گفت ...» به سؤالات پاسخ دهید: الف) منظور از «صاحب‌دلان» چه کسانی است؟ ب) «سر به جیب مراقبت فرو بردن» کنایه از چیست؟		۰/۵
۲۴	منظور از مصراع دوم بیت زیر چیست؟ «بگفت آنجا به صنعت در چه کوشند بگفت آنده خرنده و جان فروشند»		۰/۵
۲۵	مفهوم عبارت زیر چیست؟ «از بیم عقرب جزاره دموکراسی قرن بیستم، ناچار شده به مار غاشیه حکومت سرهنگ‌ها پناه ببرد.»		۰/۵

ردیف	نمونه امتحان نیمسال اول	کلیه رشته‌ها	فارسی ۳
نمره	امتحان شماره ۱	مدت امتحان: ۹۰ دقیقه	Kheilisabz.com
۲۶	سروده زیر با کدام گزینه ارتباط معنایی دارد؟ توضیح دهید. من نمازم را وقتی می‌خوانم / که اذانش را باد گفته باشد سر گلدسته سرو / من نمازم را پی تکبیره الاحرام علف می‌خوانم / پی قد قامت موج (۱) درختان کهنی که سالیان دراز سر بر شانه هم داده‌اند، آب را تا باغستان و مزرعه مشایعت می‌کنند. (۲) چه آغاز خوبی و چه پایان خوب‌تری! لحظه‌ای که هر سال، از نخستین دم بهار، بی‌صبرانه چشم به راهش بودیم. (۳) درختش، غارش، کوهش، هر صخره سنگش و سنگریزه‌اش آیات وحی را بر لب دارد و زبان گویای خدا می‌شود. (۴) ماه با تلالو پرشکوهش از راه رسید و گل‌های الماس شکفتند و قندیل زیبای پروین سر زد.		
۲۷	با توجه به عبارت زیر به پرسش‌ها پاسخ دهید. «به حسن - که مطلوب همه است - دشوار می‌توان رسیدن؛ زیرا که وصول به حسن، ممکن نشود الا به واسطه عشق، و عشق، هر کسی را به خود راه نهد و به همه‌جایی ماوا نکند و به هر دیده روی ننماید.» الف) شرط دستیابی به «نیکویی» چیست؟ ب) منظور از قسمت مشخص شده چیست؟		
۲۸	در کدام گزینه به سخن مشهور «كُلُّ شَيْءٍ يَرْجِعُ إِلَىٰ أَوَّلِهِ» هر چیزی سرانجام به اصل خود بازمی‌گردد. اشاره شده است؟ (۱) کز نیستان تا مرا بُبریده‌اند در نفیرم مرد و زن نالیده‌اند (۲) هر کسی کاو دور ماند از اصل خویش بازجوید روزگار وصل خویش (۳) همچو نی زهری و تریاقی که دید همچو نی دمساز و مشتاقی که دید؟ (۴) چون من در آن حضرت رسم و تاپ آفتاب آن جمال بر من زند، مرا از خود یاد نیاید.		۰/۵
۲۰	جمع نمرات		

۱. نغیر: فریاد و زاری به صدای بلند (۰/۲۵)
۲. مأوا: جایگاه، منزل (۰/۲۵)
۳. طاق: سقف خمیده و محدب (۰/۲۵)
۴. فاحش: آشکار، واضح (۰/۲۵)
۵. «قرقه» نادرست (۰/۲۵) و شکل صحیح آن «قرقه» است. (۰/۲۵)
۶. ۳ «عظیمت و رفتن» (۰/۲۵) و «چشمه ضلال» (۰/۲۵) نادرست هستند و شکل صحیح آنها «عزیمت و رفتن» (۰/۲۵) و «چشمه زلال» (۰/۲۵) است.
۷. الف نشئه (۰/۲۵) ب سفله (۰/۲۵)
۸. الف «دسته‌گلی»: مفعول (دسته‌گلی را در کنار بنایی نهاده بودند). (۰/۲۵) ب «همان»: صفت پیشین (۰/۲۵)
۹. الف فعل «است» (۰/۲۵) بعد از «نعمت» به قرینه لفظی حذف شده است (مزید نعمت است). (۰/۲۵) ب فعل «است» بعد از «به» به قرینه معنایی حذف شده است (همان به است). (۰/۲۵)
۱۰. الف واژه «اشتیاق» (۰/۲۵)، «مضاف‌الیه مضاف‌الیه» است. (۰/۲۵) ب واژه «خویش» (۰/۲۵)، «مضاف‌الیه مضاف‌الیه» است. (۰/۲۵)
۱۱. خانه‌ای که او از دست اجانب آباد شود. (۰/۵)
۱۲. الف «غربت»: دوری (۰/۲۵) ب «حیاط»: زمین جلو ساختمان (۰/۲۵)
- پ «خان»: رئیس، سرور (۰/۲۵)
- ت «منسوب»: به شغل و مقامی گماشته‌شده (۰/۲۵)
۱۳. الف واج‌آرایی: تکرار صامت‌های «د» و «ر» (۰/۲۵) ب «جامه»، «پود» و «تار»: مراعات‌نظیر (۰/۲۵)
۱۴. بیت به این داستان تلمیح دارد: «حضرت سلیمان که علاوه بر مقام پیامبری، پادشاه بزرگی نیز بود، یک روز برای انجام کاری از قصر خارج شد و دیوی خود را شبیه او ساخت و به جای او بر تخت نشست؛ اقا باطن پلید او به زودی برای همه آشکار شد و حضرت سلیمان دوباره به پادشاهی بازگشت.» (۰/۵)
۱۵. الف «سر و تن داشتن» و «جفا دیدن» برای چوب: تشخیص (۰/۵) ب مصراع دوم در حکم مثال یا معادلی برای مصراع اول است و «اسلوب معادله» دارد. علاوه بر آن، گفتار برای بلبل و نیز خاموشی و سکوت برای غنچه تشخیص دارد. (۰/۵)

۱۶. الف «عالم پیر»: تشخیص یا «پیر و برنا»: تضاد (۰/۲۵) ب «سودا» ایهام دارد (۱- رادوستد ۲- دیوانگی ۳- اندیشه، هوس). (۰/۲۵)
۱۷. «مرغ سحر»: نماد مدعیان دروغین یا خام عاشقی (۰/۲۵)؛ «پروانه»: نماد عاشقان راستین (۰/۲۵)
۱۸. ملک‌الشعرای بهار (۰/۲۵) و در قالب قصیده (۰/۲۵)
۱۹. ۱) کلیله و دمنه: نصرالله منشی (۰/۲۵) ۲) فیه ما فیه: مولوی (۰/۲۵)
۲۰. تا کیمیای عشق بیابتی و زر شوی (۰/۵)
۲۱. لبخند گاهگهت صبح ستاره‌باران (۰/۵)
۲۲. الف شهید ساجدی، ناامید نشده بود. (۰/۲۵) ب تصور می‌کرد که همان روشنایی است. (۰/۲۵)
- پ هنگام طلوع خورشید کنار قنات حسنی در شهر سیرجان اقامتی چندروزه می‌کردیم. (۰/۵)
- ت مشغول تماشا (۰/۲۵) و محو این آسمانی [بودم] (۰/۲۵) که ستارگان درخشان (۰/۲۵) یک‌به‌یک از غیب پیدا می‌شدند و می‌درخشیدند. (۰/۲۵)
- ث هر کسی از روی حدس و گمان و در حد فهم خود، با من همراه شد (۰/۲۵) اقا به حقیقت حال (۰/۲۵) و رازهای درونی من پی نبرد. (۰/۲۵)
- ج از باد سحر یاری می‌خواهم (۰/۲۵) که اگر ممکن باشد، خبری از من برای دوستی (۰/۲۵) که آزاد است ببرد. (۰/۲۵)
- ج بهتر است که بنده به خاطر کوتاهی و گناه خود (۰/۲۵) از خداوند، طلب بخشش کند. (۰/۲۵)
۲۳. الف عارفان (۰/۲۵) ب مراقبه، گوشه‌گیری عارفانه (۰/۲۵)
۲۴. عاشقان، غم عشق را از جان بیشتر دوست دارند. (جان می‌دهند و در برابرش غم عشق را می‌گیرند). (۰/۵)
۲۵. از یک گرفتاری به گرفتاری دیگر افتادن (۰/۵)
۲۶. ۳ (۰/۵) مفهوم مشترک این است که «همه پدیده‌ها تسبیح و ستایش خداوند را می‌گویند.» (۰/۵)
۲۷. الف دست‌یافتن به عشق (۰/۵) ب هر کسی استعداد عشق را ندارد. (۰/۵)
۲۸. ۲ (۰/۵)

